

یکی گپ‌های احساساتی زدن است، یکی واقعیت‌هایی که در روی صحنه است. یکی داشتن رابطه است، یکی وابستگی. رابطه داشتن به هیچ وجه جرم نیست، مگر وابستگی است که ننگ است. این را به‌صراحت می‌گوییم به دفاع از کشور، به دفاع از عزت و آبروی مردم، از هر جایی که کمکی به‌دست بیاید، بدون قید و شرط می‌پذیریم. استفاده می‌کنیم و ان‌شاء‌الله در خدمت مردم، در خدمت عزت و شرف مردم، و این را عیب نمی‌دانم. در ارتباط به حفظ استقلال کشور، در قسمت حفظ عزت مردم، و در دفاع از همه ارزش‌هایی که پیش ماست، از هر جایی که به ما سلاح بدهند، بدون قید و شرط می‌گیریم و باز هم می‌گیریم. (امید، ۲۷۲ ص ۹)

شهید احمدشاه مسعود قهرمان ملی

سال هفتم: شماره ۱۶۱۴ یکشنبه ۱۵ سنبله/شهریور ۱۳۹۴: ۲۲ ذوالقعدة الحرام ۱۴۳۶: ۶ سپتمبر ۲۰۱۵

عزیز:

به مقامات کابل گفتم به تبلیغات منفی علیه اسلام آباد پایان دهید



مشاور امنیت ملی و امور بین‌الملل نخست‌وزیر پاکستان پس از بازگشت از افغانستان اعلام کرد که همه بر این باور هستند که بدون مذاکره صلح در افغانستان تأمین نمی‌شود. سرتاج عزیز مشاور امنیت ملی و روابط بین‌الملل نخست‌وزیر پاکستان پس از سفر به افغانستان و دیدار با مقامات این کشور گفته است: اسلام‌آباد در این دیدارها از طرف کابل خواسته است تا به تبلیغات منفی علیه پاکستان خاتمه دهد.

وی در ادامه افزود: طرف افغانستان موافقت کرده که ماه آینده وزیر اقتصاد افغانستان با هدف بهبود روابط اقتصادی میان دو کشور به اسلام‌آباد سفر کند.....  
ادامه صفحه ۶

رییس‌جمهور غنی به نماینده‌گان جهان:

## کشوری زخمی و ورشکسته هستیم

صحنه ۹

در برگ‌ها



از فرهنگ قهرمانی تا قهرمان فرهنگی

کار نامه مسعود



تاریخ خرد و دیوانه‌گی انسان در نگاه میشل فوکو

برگزاری انتخابات پارلمانی با رهبری فعلی کمیسیون‌ها امکان‌پذیر نیست



امریکافاش کرد:

## ملا عمر در صورت سرکشی از پاکستان خواستار مجازات گروه خویش شده بود



ملا عمر در صورت سرکشی از پاکستان خواستار مجازات گروه خویش شده بود. محسوب می‌شد. بر بنیاد این اسناد رییس‌جمهور پاکستان نیز همان زمان این مطالب را با توماس پیکرینگ، معاون سیاسی وزارت خارجه آمریکا در میان گذاشته بود. آقای مشرف پس از این درخواست، محمود یکی از جنرالان پاکستانی را به کندهار فرستاد تا در صورت بروز مشکلی با طالبان گفت‌وگو کند. ملا عمر نیز از این جنرال پاکستانی برای مشکل‌آفرینی‌های سیاست طالبان پوزش خواست و یکبار دیگر گفت که اگر عملکردهای طالبان برای پاکستان قابل قبول نیست، این کشور می‌تواند به زور نظامی...  
ادامه صفحه ۶

در تازه‌ترین اسنادی که وزارت خارجه آمریکا منتشر کرده آمده است که ملا عمر، رهبر پیشین طالبان در سال ۲۰۰۰ میلادی از پاکستان خواسته بود، در صورتی که طالبان قادر به عملی کردن سیاست‌های این کشور در افغانستان نیستند آن کشور می‌تواند خواست‌های خود را به زور نظامی بر آنان تطبیق کند.

این اسناد دیروز (شنبه) از سوی این وزارت منتشر شده است. ملا عمر خطاب به پرویز مشرف، رییس‌جمهور آن زمان پاکستان گفته بود که اگر این گروه خلاف خواست‌های پاکستان قدم می‌گذارد، این کشور می‌تواند کندهار را بمباران کند. کندهار در آن زمان به عنوان مرکز غیررسمی طالبان

## اعلامیه ستاد هماهنگی برگزاری چهاردهمین سالگرد شهادت قهرمان ملی کشور



تجلیل از مقام شهید، آنانی که امروز با ما نیستند و با جان خویش از شرف و عزت افغانستان و حق و داعیه عدالت‌خواهانه دفاع نموده اند، وجیهه تک تک هموطنان گرامی می‌باشد. با سپاس فراوان از زحمات و تلاش‌های همیشگی شما، دفتر مرکزی بنیاد شهید احمدشاه مسعود در کابل - افغانستان آرزومند است تا به تعقیب همکاری‌ها و هماهنگی‌های قبلی با کمیسیون‌ها؛ نهادهای برگزاری و تجلیل از سالگرد شهادت احمدشاه مسعود در کشورهای مختلف مجدداً تأمین ارتباط نماید. طی هفته شهید و در برگزاری و تجلیل از چهاردهمین سالگرد شهادت قهرمان ملی کشور، بنیاد، پیشنهادهای ذیل را با کمیسیون‌هایی برگزاری سالگرد در کشورهای مختلف مطرح ساخته و از تمام دوستان و علاقمندان شهید احمدشاه مسعود می‌خواهد تا در یک فضای برادری و اخوت با تجلیل از مقام شهدای افغانستان، در عملی ساختن و تحقق بخشیدن به این پیشنهادها همکاری نمایند. ۱- از تمام برادران و خواهران خواشمندیم، مراسم تجلیل از شهدای افغانستان در رأس شهادت احمدشاه مسعود را به صورت شورایی و در یک فضای اخوت و صمیمیت برگزار نمایند تا وحدت و همگرایی مردم ما به نمایش گذاشته شود. ۲- تجلیل امسال تحت عنوان «مسعود و امنیت ملی» برگزار می‌گردد. ۳- لطفاً نیازهای فرهنگی و پیشنهادهای خویش را با ذکر آدرس پستی خود به ایمیل آدرس

نشانی تأمین ارتباط:

gmail.com@14.salgard

شماره‌های تماس: ۰۷۸۶۲۰۱۲۰۱ / ۰۷۰۰۲۷۷۸۱



خواجه بشیر احمد انصاری



هیچ‌گاه خود را گم نکرد، در نهان به ساخت‌وباخت نپرداخت؛ بلکه حرف‌ها و سیاست‌هایش همه آفتابی بودند. مردمش را فریب نمی‌داد و از سالوس و ریا بدش می‌آمد. او از کسانی که در ظاهر تسیبی در دست گرفته، ریش درازی گذاشته و سخنانی پُرطمطراق می‌گویند ولی در باطن به هر جنایتی دست می‌یازند، سخت نفرت داشت. وجودش تفسیر انسانیت آگاه و بیدار بود.

گاهی پیش می‌آید که وجود قهرمان، فعالیت سیاسی را قایم به فرد نموده و جامعه را از حرکت در مسیر تکاملی و مثبت باز می‌دارد. ولی این مقوله در مورد این قهرمان صِدق نمی‌کند. مسعود در واپسین روزهای زندگانی خویش، یعنی پس از طی نمودن راه پُر فراز و فرود سه‌دهه مبارزه، هدف نهایی مبارزات خویش را این‌گونه تشریح نمود: «... برگزاری انتخابات سالم، تدوین قانون اساسی و قانون‌مند کردن نظام اسلامی در افغانستان، اصول و معیارهای اصلی من در سالیان مبارزات بوده است.» و در جای دیگری گفته بود: «... همه این را قبول کنند که در آینده برویم به طرف یک حکومت ملی ... و احترام بگذاریم به آرای مردم. و بپذیریم هرچه که آرای مردم فیصله کرد، ما بر آن اطاعت و اعتنا داشته باشیم.»

قهرمانان تاریخ را از دو راه به قتل می‌رسانند: یکی از راه فراموشی، و دیگری از راه مسخ شخصیت. به عنوان مثال، در این سه دهه‌یی که سپری شد، ما شاهد تلاش‌های فراوانی در جهت دگرگون جلوه دادن چهره سیدجمال بودیم که از طرف نمایندگان دیرینه انگلیس در خاورمیانه صورت می‌گرفت. راه دیگر، مسخ و تشویه سیمای تابناک قهرمانان تاریخ، گذاشتن نقاب «سپاراتا کوس» و «هوشی مین» و «چیگوارا» و «ابو مسلم» و «صلاح الدین»... بر روی بازیگران صحنه‌های تحریف، دروغ، نفاق و ریا می‌باشد. تلاش در جهت مسخ و تشویه سیما و شخصیت این قهرمان معتقد، می‌تواند در همین راستا تفسیر شود.

اما ترور راه قهرمان، خطرناک‌تر از ترور خود اوست؛ زیرا قهرمان همه هستی خود را در راه آرمان و هدف خویش فدا می‌سازد. قهرمانان با شیوه‌های نظامی از میان برداشته می‌شوند، ولی راه و هدف‌شان با ابزار فرهنگی ترور می‌شود. اگر قهرمانان از مرزهای زمینی و خاکی یک سرزمین پاسداری می‌نمایند؛ حمایت از پیام و مرام آن‌ها، از راه حفاظت مرزهای فرهنگی، هویتی و اعتقادی ممکن است و بس. اگر وجود قهرمان از راه انفجاری که آوازه‌اش در همه‌جا پیچید، تصفیه گردید؛ امروز راه او با شیوه‌های ملایم، آهسته و آرام هدف قرار داده می‌شود.

عرصه‌های مبارزه قهرمان، خوف‌ناک است و صحنه‌های ترور هدف او، فریبند و پُر سود. ترور او، از راه دشمنی صورت گرفت و ترور آرمان او، از راه دوستی اجرا می‌شود. وقتی که او را از پا زد می‌آوردند، طنین انفجار آن دنیا را تکان داد، ولی هنگام مسدود ساختن راه او، موسیقی تخیل‌کننده قدرت، همه را به خواب مغناطیسی فرو برد.

آن قهرمان در مرزهای جبهه می‌جنگید، ولی عرصه ترور اهداف او؛ درون خانه‌ها، انجمن‌ها و دفاتر است. در آنجا بمب و گلوله می‌ریختند و در این‌جا بذر تفرقه می‌افشانند. در آنجا خطوط اول جبهه کوبیده می‌شد و در این‌جا نصاب تعلیمی مکاتب و برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی هدف قرار می‌گیرند. در آنجا عرصه مبارزه، دامنه‌های هندوکش بود و در این‌جا، صفحات مجلات و جراید و پرده‌های سینما و اینترنت است. در آن‌جا کارخانه‌های نظامی دشمن، تانک و توپ تولید می‌نمود و در این‌جا مراکز تبلیغاتی و اطلاعاتی هر روز واژه و اصطلاح می‌سازند و در دهان مشت‌بی‌شعور و بی‌هویت می‌گذارند. در ترور او، شور ایجاد شد و هنگام ترور راه او، شعور کشته می‌شود.

باشد. درست همان‌طوری که گالیله صاحب اصلی این عبارت، به‌جای آن‌که مسوولیت تقصیر خویش را به‌خاطر آن‌که ایمان و اعتقاد و یک عمر تحقیق و تفکر خویش را زیر پا گذاشت بپذیرد، گناه خود را به دوش مردم افکنده و بُزدلی خویش را توجیهی زندانه نموده، اصل قهرمانی را زیر سوال برد.

آن‌چه در رابطه با فرهنگ قهرمان‌خواهی نگه‌یافته است، همانا مسوولیت‌گریزی مردم و حاله همه مسوولیت‌ها به دوش قهرمان است. در چنین جوامعی، مردم با ظهور قهرمان‌شان به هیجان می‌آیند و با افول ستاره او؛ سیاهی، پژمرده‌گی، پراکنده‌گی و یأس بر سراپای وجودشان مستولی می‌شود. غافل از این‌که قهرمان‌ها، مسوولیت ما را با خود نمی‌برند و ستایش از قهرمان هرگز به معنای نشستن در گوشه‌یی و چشم به‌راه قهرمان دیگری بودن، نیست. امروز همه ملت‌های دنیا، از قهرمانان استقلال، آزادی، عزت و سربلندی‌شان تمجید می‌کنند، تا جایی که حتا به افسران جنگ‌های بسیار ظالمانه هم مدال قهرمانی داده شده و نام‌شان در کنار قهرمانان حقیقی یاد می‌شود. جنگ قهرمان‌زایی هم یکی از انواع نبردهای ست که گاهی کشورهای معاصر جهان علیه همدیگر به‌راه می‌اندازند. سینمای آمریکا

در حالی که برای کودکان این کشور «سوپرمن» و برای بزرگان آن «رامبو» می‌سازد، ولی «ژاندارک» آن دوشیزه قهرمان فرانسوی که قرن‌ها است برای مردم بیدار و آگاه فرانسه منبع الهام گردیده و در ضمیر آن‌ها دانه احساس و فدا کاری و حماسه می‌باشد، از طرف هالیوود به عنوان دختری بیمار و دروغگو تمثیل می‌شود. «زایاتا» قهرمان انقلابی دهقانان مکزیک، از طرف همین سینما به عنوان قهرمانی وحشی و بی‌سواد معرفی می‌گردد و سیمای حقیقی او را در زیر شعاع سحرآمیز رنگ و روشنی پرده سینما مسخ می‌نمایند تا جایی که مردم دنیا برای «ایلیا کازان» دایرکتر فلم مذکور، کف می‌زنند ولی بیننده مکزیک که قهرمان خود را خوب می‌شناسد، این سیمای تصویرشده توسط هالیوود را نپذیرفته، سینما را به آتش کشیده و شعار «زنده باد زایاتا» را سر می‌دهد. سینمای انگلیس هم جسد نحیف، دستگاه ریسنده‌گی، بز و لنگ گاندی را به باد سخریه می‌گیرد.

جوامع انسانی، قهرمانان‌شان را بر مبنای نیازهای‌شان انتخاب می‌کنند. جامعه‌یی که در معرض تهاجم نظامی قرار گرفته، نیازمند قهرمانی از نوع نظامی است و مردمی که در برابر امواج تهاجم سیاسی و فرهنگی دست‌وپا می‌زنند نیز قهرمانی از نوع دیگر می‌خواهند. زیرا همان‌طوری که گفتیم، جوامع انسانی بر مبنای نیازهای خود قهرمانان‌شان را تعریف و مطالبه می‌نمایند. قهرمانان را کسی نمی‌سازد؛ بلکه این ایرمردان سلحشور، در متن جامعه و در کوره گرم حوادث ساخته می‌شوند. آن‌ها به دعوت کسی نمی‌آیند تا با گرفتن کارت دعوت، از صحنه غایب شوند. قهرمانان آینده کشور ما شهراشوبانی پُرمدعا نیستند که از طرف «انجوه‌های» مجهول‌الهویت و بدنام، تراشیده شده و آسان‌ترین و بی‌زحمت‌ترین راه را برای رسیدن به نام‌ونان، نه در مبارزه برای حق و عدالت و آزادی، بلکه در تاختن بر مردم و قهرمانان‌شان، جست‌وجو نمایند. این «قهرمانان انجوهی» چیزی جز کارگردانان صحنه‌های سیاست‌های خصمانه نیستند. اگر در دوران مسعود شهید، مقوله‌های شجاعت و رزم‌جویی و هوشیاری نظامی، معیار این قهرمانی بود، امروز جامعه‌ما نیازمند کسانی‌ست که با به‌راه انداختن تشکیلی قانون‌مند و شفاف، ظرفی برای این‌همه مردان و زنان دردمند و متعهد آماده ساخته و این موج را در مسیر مبارزات عدالت‌خواهانه و حقطلبانه ملی استقامت دهند.

مسعود شهید، از واپسین قهرمانان بزرگ تاریخ ماست که با داشتن خصوصیت‌های فراوانی، گوی سبقت را از معاصرانش ربود. او پول ملت را صرف خوش‌گذرانی‌های خویش نکرد، بلکه از عمر و خون و وجود خود برای ملتش سرمایه گذاشت. او

سخن از مسعود و حماسه او، سخن از فرهنگ قهرمانی است. یکی از ویژه‌گی‌های بارز فرهنگی ما، روحیه قهرمان‌پروری و قهرمان‌گرایی است که هم در روان ناخودآگاه فردی و جمعی و هم در آثار حماسی ما بازتابی درخشان یافته است. فرهنگ مردمی ما در مسیر تاریخ طولانی‌اش، گرایش به ظهور قهرمان داشته است؛ قهرمانی افسانه‌یی که در دفاع از کیان مردمش، به جنگ رود و سپس از راه مکر و حيله و نامردی، به‌صورت بسیار مظلومانه‌یی شهید شود.

فرهنگ ما در امتداد تاریخش، قهرمانان فراوانی آفریده است؛ افرادی که در حوزه‌های مختلف زنده‌گی و در مقاطع حساس تاریخ، از وجود خویش شمع‌ی ساخته‌اند تا بر بخش‌های تاریک جامعه‌شان نور اندازند. جهش‌های اجتماعی ما، مدیون تلاش‌های ایناگرگانه همین قهرمانان بلندقامت تاریخ محسوب می‌شوند.

ویژه‌گی قهرمان‌گرایی در فرهنگ‌های دیگر دنیا هم به چشم می‌خورد؛ زیرا انسان‌ها عادت دارند که در مسیر پویای کمال و جمال، به سوی انسان‌های برتر و الگوهای مبارزه و سربلندی و افتخار جذب شوند و حس قهرمان‌گرایی خود را در عشق ورزیدن به آن الگوها، اشباع نموده و از رفتار، گفتار، طرز سخن گفتن و حتا شیوه لباس پوشیدن و خلاصه از هر چیز آن‌ها الهام گیرند. این الگوها به هر اندازه‌یی که متعالی‌تر، خدایی‌تر و کم‌عیب‌تر ظهور می‌یابند، به همان اندازه جاذبه‌شان قوی‌تر می‌شود. راز این کشش مغناطیسی، همان مشخصه‌های والای انسانی چون شجاعت، جوان‌مردی، سخاوت، گذشت، صبر، استقامت، تواضع، پاکدامنی، امانت‌داری، گشاده‌رویی، خیرخواهی و صفات والای دیگری‌ست که سایر انسان‌ها را به صوب این ابرانسان‌ها می‌کشاند.

اگر قهرمانان در دوران زنده‌گی و مبارزه، همه‌چیز خویش را فدای مردم‌شان می‌کنند، پس از مرگ روحی می‌شوند در کالبد پیروان‌شان، یادوخاطره‌شان شمع‌ی می‌شود بر فراز راهی که گزیده بودند. امروز عده‌یی به این تصور اند که در جهان کنونی و در عصر سیطره دموکراسی‌های نوین، دیگر عصر قهرمانی گذشته است. به عقیده آن‌ها، جامعه قهرمان‌پرور، جامعه‌یی بیمار، و قهرمان هم چیزی جز آفت جامعه نیست. از نظر آن‌ها، نسلی که نتواند با تکیه بر نهادهای مدنی، حقوق مشروع خویش را مطالبه نماید، راهی جز رفتن در سایه قهرمان ندارد تا در پناه او، حق خویش را به‌دست آرد. استدلال این دسته این است که وجود قهرمان، فعالیت سیاسی را قایم به فرد نموده و جامعه را از حرکت در مسیر تکاملی و مثبت باز می‌دارد، و با رفتن قهرمان نیز ساختارهای کهن جامعه همان‌طوری که بودند، باقی می‌ماند. از همین‌رو، اندیشه بروز قهرمان از دید آن‌ها، فکری مذبوم و مرفوض است.

ولی اگر نیک بنگریم، می‌بینیم که عرصه اجتماع هیچ زمانی بی‌نیاز از قهرمان نیست. «گنون» از متفکران فرانسه می‌گوید: «درد انسان امروز، نداشتن قهرمان است.» اما آن‌چه به فرهنگ «قهرمانی» بار منفی می‌بخشد، مذبوم بودن عرصه‌ی است، نه ذاتی. آن‌هایی که می‌گویند دیگر زمان قهرمان‌گرایی گذشته است، می‌خواهند به این بهانه، مسیر مبارزه برای عدالت و آزادی را مسدود سازند. غافل از این‌که جوامع دموکراتیک هم بی‌نیاز از قهرمان نیستند، بلکه در این جوامع با کثرت قهرمان روبه‌رو هستیم.

قهرمان پدیده‌یی شناخته‌شده در سراسر تاریخ و جغرافیای بشری و در تمامی عرصه‌های اجتماعی، علمی، فرهنگی، دینی و اخلاقی می‌باشد که با فداکاری‌های خویش، هستی خود را به بازی گرفته و جامعه بشری را گام به گام به پیش برده است. در راستای سیاست قهرمان‌ستیزی این جمله که می‌گوید: «بدبخت ملتی که به قهرمان نیاز دارد»، بیشتر از هر عبارت دیگری مورد استفاده قرار گرفته است؛ زیرا این ایده شبه‌مدرن می‌تواند توجیه‌گر خوبی برای بی‌همتی، تسلیم‌طلبی و راحت‌خواهی

## سخن ماندگار

### ریکا و سام؛

### فرست‌های طلایی برای تغییر

کابل این روزها میزبان دو نشست عمده منطقه‌یی و بین‌المللی با محوریت مسأله افغانستان بوده است. میزبانی این دو نشست، کمترین حساسی را که می‌تواند به همه‌گان تداعی کند، این است که افغانستان با وجود همه بحران‌هایی که این روزها با آن دست به گریبان است، هنوز فراموش نشده است. در سه روز گذشته، هرچند برخی از جاده‌های شهر مسدود و به تبع آن، بخشی از زنده‌گی شهروندان تعطیل بود، اما به نظر می‌رسد که روزنه‌های جدیدی هم در ماورای این بن‌بست‌ها دیده می‌شود که می‌تواند چراغ‌های امیدی در خانه‌های مردم زنده کند.

در نشست دو روزه کنفرانس منطقه‌یی همکاری‌های اقتصادی برای افغانستان یا ریکا ۶، نماینده‌گان ۳۰ کشور منطقه و ۴۰ سازمان بین‌المللی، حمایت‌های بی‌درنگ‌شان را برای توسعه اقتصادی افغانستان و منطقه اعلان کردند.

همکاری‌های منطقه‌یی برای رشد سکتور خصوصی، تقویت راه‌های ترانزیت منطقه‌یی از جمله راه ابریشم، جاده لاجورد و استفاده از بندر چابهار، و نقش براننده افغانستان در انتقال ذخایر انرژی میان دو حوزه آسیای میانه و جنوب آسیا، از جمله موارد عمده مورد بحث در این نشست بود که با استقبال و تعهدات کشورهای منطقه و نهادهای موجود مواجه شد. تحقق یافتن برنامه‌های عمده این نشست بدون شک می‌تواند گام بزرگی در راستای توسعه اقتصادی افغانستان و منطقه به شمار آید.

نشست روز پیش به عنوان دومین «اجلاس مقامات عالی‌رتبه» که به منظور حساب‌دهی تعهدات دوسویه افغانستان و جامعه جهانی در کنفرانس توکیو (جولای ۲۰۱۲) و پس از آن نشست لندن (دسامبر ۲۰۱۴) برگزار شده بود هم گام ارزنده‌یی برای تجدید عهد حمایت‌های اقتصادی جامعه جهانی از افغانستان بود. با توجه به طرح برنامه «خودکفایی» افغانستان که مقامات کابل در نشست لندن، به جامعه جهانی متعهد شده بود، این نشست حرکتی در راستای گزارش‌دهی به کشورهای کمک‌کننده بود و جلب تداوم کمک‌های‌شان به افغانستان پس از ۲۰۱۴.

هرچند به نظر می‌رسد که فرصت‌سوزی‌ها و کندکاری‌های حکومت وحدت ملی و جنجال‌های فرسایشی پس از انتخابات ریاست‌جمهوری سبب شده بود که کابل چندان متاعی برای عرضه به جامعه جهانی نداشته باشد، اما به هر حال این نشست فرصت مغتنمی بود که مقامات کابل خودی نشان دهند و از حامیان بین‌المللی تقاضای تداوم حمایت‌های مالی‌شان نمایند. رییس‌جمهور در نشست سام یا اجلاس مقامات ارشد، بار دیگر بر تعهد کابل برای توسعه اقتصادی افغانستان، مبارزه با فساد، حمایت از حقوق بشر و حقوق زن، جلب سرمایه‌گذاری‌ها در کشور و ... تأکید کرد که بدون شک هر کدام از این عرصه‌ها علاوه بر حمایت‌های جهانی، نیازمند اقدام قاطع حکومت کابل است.

با همه این‌ها اما دیده می‌شود که در ماه‌های گذشته، حرکت جدی‌یی در قبال تحقق این تعهدات انجام نیافته است. میل مفرط رییس‌جمهور غنی به حل مسأله امنیت آن‌هم از راه اسلام‌آباد، نه تنها فرصتی برای بهبود اقتصاد کشور فراهم نکرده؛ بلکه برخی از فرصت‌های کلان اقتصادی در کشور را هم سوزانده است. چنان‌چه یک‌جانبه‌گرایی مفرط او به سمت پاکستان سبب شد که کنسرسیوم هندی به بهانه‌یی واهی از سرمایه‌گذاری بر روی معدن آهن حاجیگک منصرف شود. چنین اقداماتی نشان می‌دهد که رییس‌جمهور غنی در سال نخست حکومتش در رویای دست یافتن به صلح پاکستانی، فرصت‌های اقتصادی چندی را فنا کرده است.

از سوی دیگر دیده می‌شود که رویکرد حکومت وحدت ملی در قبال مبارزه با فساد هم چندان موثر نبوده و بیشتر مصرف تبلیغاتی داشته است. هیچ کسی از روند بررسی پرونده کابل‌بانک به عنوان اولین مانور رییس‌جمهور غنی بر علیه فساد راضی نیست. پس از آن‌هم جز معرفی چند تن از مقامات پیشین وزارت شهرسازی، حرکت خیره‌کننده‌یی در این بخش از او دیده نشد. تا این‌که در همین اواخر، او فتوای جهاد علیه فساد را صادر کرد و از علمای دینی و مردم خواست که در مقابل فساد جهاد کنند. با توجه به دو نشست



# مشارکت آلمان و سویدن در کنار امریکا در عملیات بر ضد تروریستان در افغانستان



به گفته منابع، دو متحد اروپایی امریکا با وجود ممنوعیت‌های قانونی مستقیماً در عملیات موسوم به «تصمیم برای قتل شبه نظامیان در افغانستان» مشارکت دارند.

به نوشته روزنامه نیویورک تایمز، این عملیات که معمولاً حملات هوایی و پهپادی را در برمی‌گیرد از سوی مقامات امریکایی به عنوان یکی از آخرین ماموریت‌های مشترک نیروهای امریکایی در افغانستان معرفی شده است.

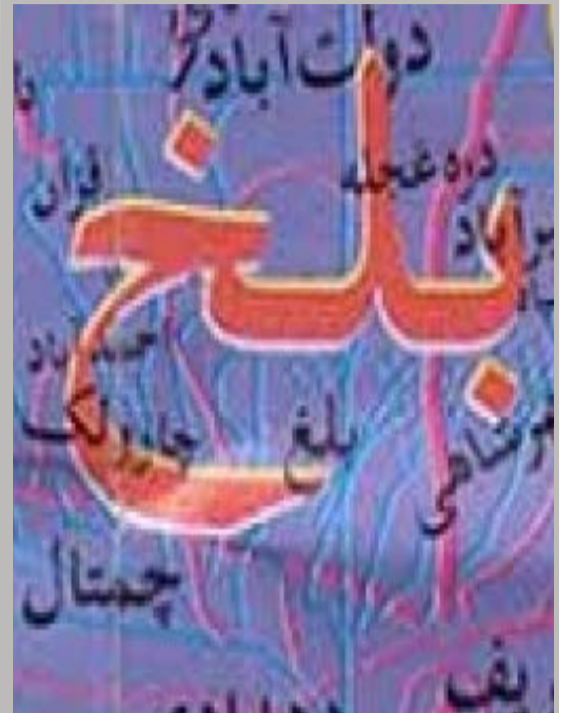
با این حال برخی از این حملات به دلیل اینکه خشونت آمیزتر از آن چیزی است که در توافق امنیتی مطرح شده است مورد سوال قرار می‌گیرند. در این میان با وجود اینکه سخنگوی ائتلاف تحت رهبری امریکا در افغانستان اعلام کرده است به جز امریکا هیچ کشوری در حمله به شبه نظامیان دست ندارد، دو تن از مقامات ارشد غربی معتقدند این مساله محل مناقشه بوده و بین ارتش امریکا و متحدانش چه در ناتو و چه خارج از آن ایجاد تنش کرده است.

به گفته این مقامات، آلمان به عنوان یکی از اعضای ناتو و سویدن به عنوان کشوری خارج از آن به صورت مستقیم در این حملات نقش دارند. این در حالی است که کشوری مثل آلمان از نظر قانونی از شرکت در عملیات نظامی تهاجمی منع شده است. تصمیم‌گیری درباره انجام حملات مرگبار در اتاقی در مقر این ائتلاف در کابل اتخاذ می‌شود؛ جایی که

هدف گیری افرادی که از نظر ارتش امریکا دشمن محسوب می‌شوند مورد نظارت قرار می‌گیرد. به گفته یکی از مقامات آگاه که خواست نامش فاش نشود، آنها دور یک میز جمع شده و می‌گویند اگر زن و بچه دیدید دستان خود را بالا بگیرید. در این تصمیم گیری مقامات آلمانی و سویدی که قرار نیست در این عملیات ضد تروریستی مشارکت داشته باشند، دخیل هستند. این در حالی است که بسیاری از مقامات ناتو از این اتفاق ناخرسند هستند.

یکی دیگر از مقامات غربی که او نیز خواست نامش فاش نشود در این باره می‌گوید: این عملیات آخرین چیزی است که ناتو تمایل خواهد داشت در آن نقش داشته باشد اما امریکایی‌ها به نظر می‌رسد می‌خواهند همه را در آن دخیل کنند. به نظر من امریکایی‌ها می‌خواهند به این حملات جنبه سیاسی دهند.

## مردان مسلح ۱۳ مسافر را در بلخ گلوله باران کردند



مسولان محلی در ولایت بلخ می‌گویند که مردان مسلح ناشناس، دو موتر مسافربری را در ولسوالی زاری این ولایت متوقف کرده و سرنشینان آن را به گلوله بستند.

جعفر حیدری، سرپرست ولسوالی زاری به خبرگزاری بخدی گفت: «تعداد مسافری ۱۴ نفر بودند که یک زن در این حادثه زنده مانده است، تمامی کشته شده‌گان متعلق به قوم هزاره هستند.

آقای حیدری می‌گوید که مهاجمان یونیفورم نظامی به تن داشتند و پس از حادثه از محل متواری شده اند. این رویداد حوالی ساعت ۱۱ پیش از چاشت دیروز در منطقه جلگه ولسوالی زاری رخ داده است. قربانیان ساکنان منطقه ولسوالی‌های زاری و بلخاب بوده اند.

محمدابراهیم خیراندیش، رییس شورای ولایتی بلخ گفت که مسافران از مرکز ولسوالی زاری به مقصد ولسوالی کشنده در حرکت بودند. آقای خیراندیش می‌گوید که مسافران در دو موتر نوع کرولا و سراچه بودند.

هنوز فرد یا گروهی مسوولیت این رویداد را به عهده نگرفته است، اما در سال‌های اخیر فعالیت طالبان در ولسوالی زاری بیشتر شده است.

عبدالرزاق قادری، سرپرست قوماندانی امینه ولایت بلخ می‌گوید که هیاتی برای تحقیق این حادثه تعیین شده است تا عواملان این کشتار شناسایی شوند. آقای قادری گفت که هنوز کسی در پیوند به این رویداد بازداشت نشده است.

در سال‌های اخیر بارها از فعالیت طالبان در ولسوالی زاری گزارش شده است و بیم آن می‌رود که افراد وابسته به داعش نیز در ناآرامی‌های بلخ به ویژه رویدادهای «قومی دست داشته باشند.

مقامات می‌گویند که گروه نو ظهور داعش بدنبال ایجاد اختلاف قومی در افغانستان است و به شکل گسترده شهروندان کشور را مورد حمله قرا می‌دهند. در یک سال گذشته، این چندمین حمله به قوم هزاره در افغانستان است، این حملات اعتراض‌های گسترده را در داخل و خارج از کشور بدنبال داشته است.

حدود سه هفته پیش، نیز یک دختر در مربوطات ولسوالی زاری ربوده شد و یک هفته بعد در حالیکه به او تجاوز شده بود، جسدش پیدا شد.

## ترکمنستان ساخت خط لوله گاز «تاپی» را آغاز کرده است



ترکمنستان ماه گذشته اعلام کرد که شرکت‌های جاپانی و کره‌یی علاقه به سرمایه گذاری در تاپی را ابراز کرده‌اند و شرکت‌های ترکیه را برای پیوستن به روند مناقصه نیز دعوت کرده است.

شرکت‌های بین‌المللی مانند «اکسون موبیل»، «شورون» و «توتال» شایعه شده بود که علاقه‌مند به پروژه تاپی هستند. تاپی در صورت اجرا انتقال گاز ترکمنستان را تا ۳۳ میلیارد متر مکعب (BCM) سالانه از ۲۰۱۸ میلادی آغاز خواهد کرد.

براساس توافقنامه تاپی، پاکستان روزانه یک میلیارد و ۳۶۵ میلیون فوت مکعب گاز و هند نیز حدود یک میلیارد و ۳۶۵ میلیون فوت مکعب گاز دریافت می‌کند و سهم افغانستان از گاز ترکمنستان نیز حدود نیم میلیارد فوت مکعب در روز است.

خط لوله انتقال گاز تاپی در حالی به مراحل اجرایی خود نزدیک می‌شود، که مقامات پاکستانی در اجرای خط لوله صلح که گاز ایران را به این کشور و هند انتقال می‌دهد، تعلل می‌کند.

کشورهای غربی نیز بارها اعلام کرده‌اند که با اجرایی شدن خط لوله انتقال گاز تاپی کشورهای منطقه از جمله هند و پاکستان دیگر نیازی به گاز جمهوری اسلامی ایران ندارند. خط لوله تاپی ۱۷۳۵ کیلومتر طول دارد و قرار است تا سال ۲۰۱۷ تکمیل شود.

یک روزنامه پاکستانی اعلام کرد که متخصصان ترکمنستان کار ساخت خط لوله گاز «تاپی» از این کشور تا پاکستان را آغاز کرده است. به گزارش اکسپریس تریبون، گزارش‌های رسانه‌های دولتی ترکمنستان اعلام کردند که کار بر روی خط لوله گاز ۱۸۰۰ کیلومتری از خاک این کشور را آغاز کرده که تکمیل این پروژه نیازمندی‌های انرژی هند، پاکستان و افغانستان را برآورده خواهد کرد.

بر اساس گزارش روزنامه دولتی «نیوترال ترکمنستان»، متخصصان موسسه شرکت دولتی گاز و نفت «ترکمن‌گاز»، کارهای مهندسی و نقشه‌برداری خط لوله گاز تاپی ترکمنستان، افغانستان، پاکستان، هند را آغاز کرده‌اند.

به گفته این روزنامه، ساخت خط لوله گاز تاپی در ماه دسامبر سالجاری میلادی آغاز خواهد شد. چهار کشور عضو تاپی، برای پاسخگویی به نیازهای رو به رشد انرژی، پروژه گسترده گاز را برای مدت طولانی برنامه‌ریزی کرده‌اند اما مسائل اداری و ناآرامی در افغانستان تاکنون این پروژه را به تعویق انداخته است. کشورهای عضو تاپی ماه گذشته توافق کردند که شرکت دولتی ترکمن‌گاز، کنسرسیوم پروژه ۱۰ میلیارد دلاری را رهبری خواهد کرد در حالی که حضور شرکای تجاری خارجی نیز در این پروژه احتمال دارد. قربانقلی بردی محمداف رییس جمهور

### کشت خشخاش در هلمند

#### به گونه چشمگیری افزایش یافته است

گزارش‌ها از ولایت هلمند حاکی از آن است که حاصلات کشت خشخاش در این ولایت نسبت به فصل بهار افزایش چشم‌گیر یافته است.

مسئولان اداره مبارزه با مواد مخدر ولایت هلمند، همچنان می‌گویند که کشت خشخاش در فصل دوم نسبت به فصل گذشته (بهار) افزایش چشم‌گیری داشته و بسیاری از کشاورزان در ولسوالی‌های شمالی این ولایت زمین‌های خود را خشخاش کشت کرده اند، اما دولت تا اکنون اقدامی برای پاک‌سازی این زمین‌ها روی دست نگرفته است.

لعل محمد عزیزی، رییس مبارزه با مواد مخدر هلمند می‌گوید که دولت برای جلوگیری و نابودسازی کشت خشخاش در این ولایت تا اکنون برنامه‌یی عملی نداشته است.

کشاورزان این ولایت می‌گویند، به دلیل نبود کار مجبور هستند زمین‌های خود را خشخاش کشت کنند. آنان می‌افزایند، در این فصل دولت کمتر به پاک‌سازی زمین‌های کشت خشخاش کشت شده اند اقدام می‌کند و از سویی هم محصول فصل دوم نسبت به حاصلات فصل بهار به بهای بیشتر در بازارها به فروش می‌رسد.

این کشاورزان حکومت را به وعده‌خلافی در راستای تعیین بدیلی به جای کشت خشخاش متهم کرده، می‌گویند، اگر دولت برای آنان زمینه کار را مساعد سازد، هیچ‌گاه دست به کشت این گیاه نمی‌زنند. آنان تأکید می‌کنند که به دلیل نبود کار مجبور به کشت خشخاش شده اند، زیرا حاصلات هر جریب زمین خشخاش ده تا بیست برابر بیشتر از حاصلات زمین‌های گندم است.

در فصل بهار امسال کشاورزان ولایت هلمند، بیشتر از ۱۰۰ هزار هکتار زمین را خشخاش کشت کرده بودند، اما مسئولان اداره مبارزه با مواد مخدر این ولایت می‌گویند، دولت از این میان توانسته تنها ۳ هزار هکتار زمین را از کشت خشخاش پاک کند.

با وجود مصرف میلیون‌ها دالر برای نابودی مواد مخدر در افغانستان این کشور هنوز هم در صدر تولیدکننده‌گان آن در جهان به شمار می‌رود.

ولایت هلمند در جنوب افغانستان موقعیت دارد که ۹۵ درصد مواد مخدر کشور را تولید می‌کند.





در حمله بر جلال آباد، مسعود دست آی.اس آی را می دید که برای دولت خود ساخته خویشت در جست و جوی مکانی در درون افغانستان است. وقتی حمله بالای جلال آباد آغاز شد، مسعود در اندراب بود. او دیدگاه خویشت را در این مورد به بارانش چنین بیان کرد:

«نظر مرا بدبینانه تعبیر نکنید؛ جنگ جلال آباد به هر پیمان که بیشتر به درازا انجامد، به نفع است؛ زیرا شکست رژیم نجیب در جلال آباد، پیروزی مجاهدین نیست، بلکه پیروزی آی.اس آی است و مردم افغانستان در صورت پیروزی آی.اس آی، به مشکلات زیادی مواجه می گردند و در مقابل، شکست مجاهدین در جلال آباد، رژیم نجیب را روحیه می دهد و به عمر آن می افزاید.»

احمدشاه مسعود با این طرز دید، دست به اقدامی نزد تا رژیم نجیب زیر فشار بیشتر قرار گیرد، در آن شرایط می توانست با راهاندازی حملات، خطوط تدارکاتی رژیم در سالنگ را به طور جدی مختل سازد و نیروهای هوایی رژیم را در بگرام خسارمند گرداند.

جنرال اسلم بیگ رییس ستاد مشترک ارتش پاکستان، در خزان ۱۳۷۱ از مسعود دعوت به عمل آورد. در ملاقاتی که میان طرفین در راولپندی صورت گرفت، مسعود توانست تصمیم پاکستان مبنی بر راهاندازی حمله چندجانبه بالای شهر کابل را فسخ نماید. مهم تر این که، این گفت و گو اثرات دوام داری بر مسعود گذاشت.

در این گفت و گو، اسلم بیگ از ضرورت ایجاد یک پیمان اسلامی در سطح جهانی به رهبری پاکستان سخن رانده بود. بیگ ایران را به خاطر پای بندی به مذهب تشیع، و کشورهای عربی را به دلیل ناتوانی رهبری شان، فاقد صلاحیت شمرده و گفته بود تنها پاکستان است که می تواند عهده دار این مسوولیت شود. او وانمود کرده بود که پاکستان به «عمق اسلامی» نیاز دارد. سخنان اسلم بیگ با گذشت زمان، روشن تر گردید و برای مسعود که خود گفته های اسلم بیگ را شنیده بود، تفسیری ویژه پیدا کرد و سند محکمی شد از توسعه طلبی پاکستان و پیشروی اش به سوی آسیای میانه.

پس از سهم نگرفتن در جنگ جلال آباد، گام دوم مسعود در برابر اقدامات آی.اس آی این بود که؛ به مخبره بی که از سوی آن اداره به جبهات مختلف ارسال شده بود، اجازه فعالیت نداد. آی.اس آی از طریق این مخبره ها، به طور روزانه اخبار سراسر جبهات را گردآوری می کرد و تنها مسعود بود که در قلمرو زیر اداره اش، به چنین فعالیتی اجازه نداد.

شکست رژیم نجیب به وسیله نیروهای زیر فرمان احمدشاه مسعود (رح) در بهار ۱۳۷۱ هـ.ش، پهلوی دیگر شکست آی.اس آی در افغانستان بود؛ چه برنامه آی.اس آی مبنی بر به قدرت رسانیدن گلبدين حکمتيار به شکست انجامیده بود و برخلاف، قدرت به دست کسی افتاده بود که دولت پاکستان او را به دیده دشمن می نگرست.

مسعود در این زمان فکر می کرد که پاکستان ترجیح خواهد داد که این واقعت تلخ را بپذیرد و از دولت مجاهدین پشتیبانی نماید. اما سه روز پس از تصرف کابل، چونچو مدیر آی.اس آی در امور افغانستان، خود را به لوگر رسانید و به حکمتیار مشوره داد که با راهاندازی حملات راکتی به شهر کابل، نگذارد دولت مجاهدین استحکام یابد.

پاکستان از راکتباران شهر کابل چند هدف را دنبال می کرد:

الف: جلوگیری از برقراری نظام اداری در کابل  
ب: وادار کردن دیپلمات های خارجی برای خروج از کابل  
ج: زمینه سازی برای نصب حکمتیار در رأس قدرت دولتی.

دولت پاکستان که در واقع نظامی ها گرداننده اصلی آن اند، در یک دست مرهم و در دست دیگر خنجر داشتند؛ از یک سو دروازه دیپلمات های خود را بر روی حکمتیار گشودند و به تجهیز و تقویت آن در برابر دولت مجاهدین پرداختند، و از جانب دیگر هیأت هایی به منظور ایجاد آشتی و تفاهم میان دولت و حکمتیار یکی پی دیگری به کابل گسیل نمودند.

احمدشاه مسعود از این که هیأت مجاهدین در مذاکره با پاکستانی ها با جرأت و قاطعیت حرف نمی زد، اظهار دل تنگی می کرد و به این نتیجه رسیده بود: نباید کسانی که سال های مهاجرت را در پاکستان سپری کرده اند، به عنوان نماینده در گفت و گو با پاکستان تعیین شوند. در اواخر سال ۱۳۷۲، سه جوان افغانستانی به هدف

گشایش تورخم بر روی کاروان های مواد غذایی، شماری از شاگردان یک مکتب را در اسلام آباد گروگان گرفتند که در نتیجه، توسط سربازان پاکستانی در سفارت افغانستان واقع اسلام آباد کشته شدند؛ از همین رو شهروندان خشمگین کابل سفارت آن کشور را به آتش کشیدند. این رویداد برای مسعود تکان دهنده بود، زیرا به اعتبار سیاسی وی لطمه زد.

دولت پاکستان از این پیشامد به نفع خویشت بهره برداری کرد و در درون، همه نیروهایش را در دشمنی با دولت مجاهدین متحد ساخت و در بیرون، از دولت مجاهدین سیمای یک دولت به دور از قانون و بی اعتبار به مقررات بین المللی ترسیم کرد.

در این مرحله، برخی از سران دولت مجاهدین از جمله مسعود، به تقویت مجاهدین تاجیکستان متمایل شدند و پایگاهی در شمال افغانستان برای آموزش آن ها برپا کردند. برخی شواهد حکایت از آن دارد که دولت پاکستان در این برنامه دست داشته و آن را تشویق و تمویل نموده است، سران مجاهدین نیز فریب خورده و خواسته اند که از یک سو انتقام تجاوز شوروی را به سرزمین شان بگیرند، و از جانی هم به سان پاکستان با جلب کمک های غرب و اعراب، کشورشان را آباد کنند. نتیجه یی که این سیاست به دست داد، روابط دولت مجاهدین را با جمهوریت های آسیای میانه به شدت تیره نمود و حتا چندین بار تالقان مورد حملات هوایی

ساخت که چه طور سیاستمداران پاکستانی زیر تاثیر نظامی ها هستند.

اما درسی که مسعود از این پیشامد گرفت، این بود: تا زمانی که نظامی ها در پاکستان تغییر دیدگاه ندهند، انتظار تغییر از سیاستمداران ملکی نباید داشت.

جنگ های کابل همان طوری که دولت مجاهدین را تضعیف نمود، قوت و نیروی گلبدين حکمتيار را نیز به تحلیل برد و به اعتبار آن بیشتر از پیش لطمه زد. پس از دو سال جنگ، چون پاکستان وی را برای رسیدن بدین هدف ناکام یافت، گروه طالبان را ایجاد نمود و آن گروه را در نقش حکمتيار به حرکت در آورد.

احمدشاه مسعود در مرحله نخست از طالبان پشتیبانی کرد. او در ارزیابی دو دشمن، طالبان را در مقایسه با حکمتيار، کم زیان تر انگاشت، ولی تنها تا زمانی که حکمتيار از صحنه کنار رفت و طالبان با او رویارو گردید.

در سال ۱۳۷۸ از احمدشاه مسعود پرسیدم، «پاکستان از افغانستان چه می خواهد؟» او در پاسخ گفت: «پاکستان قصد دارد افغانستان را به حیث صوبه پنجم خود در آورد. برای دست یابی بدین امر، استراتژیست های پاکستانی می خواهند افغانستان را در یک حالت قبایلی بدون حکومت مرکزی، ارتش و تجارت منظم حفظ نمایند. به مردم افغانستان در مسایل جزئی استقلال عمل داده، اما از لحاظ سیاسی، اقتصادی و روابط خارجی، از سوی



عبدالحفیظ منصور

# کدام نامه

بخش پنجاه و یکم

بارها دیده شده است که پاکستان در مجامع دیپلماتیک استدلال کرده که: افغان ها را باید به حال خودشان گذاشت، آن ها به دور از تمدن و پیشرفت عصر زنده گی می کنند و از زنده گی خود راضی اند و هرگز نمی شود آن ها را تغییر داد؛ پس بهتر آن است که از طریق اسلام آباد به افغانستان نگرست و از این طریق، کارهای خود را انجام داد.

از نظر پاکستان، پشتون ها در افغانستان می توانند اهداف آن کشور را بر آورده سازند؛ از این رو از آغاز تا کنون دولت پاکستان برای در رأس قرار دادن یک چهره مزدور پشتون تبار در افغانستان تلاش ورزیده است.

مسعود باور داشت، دولت مردان پاکستان که عمدتاً پنجابی ها اند، بدین باور هستند که برای حفظ سلامت پاکستان، ایجاب می کند پشتون ها در افغانستان در رأس قدرت باشند و احساس محرومیت نکنند؛ در غیر آن، پشتون های دو طرف سرحد متحد شده و حکومت مستقلی را از تجزیه افغانستان و پاکستان تشکیل خواهند داد. در این راستا، اظهارات پرویز مشرف را که در حمایت از طالبان گفت: پاکستان به دلایل قومی و جغرافیایی، ناگزیر از پشتیبانی طالبان است، می توان مهر تاییدی بر این طرز فکر دانست.

پاکستان با اجرای اعمال وحشیانه طالبان، خواست دسته بندی های قومی را در افغانستان تشدید نماید و وحدت ملی را میان باشندگان کشور از بین ببرد و هم چنین طالبان را بیشتر از پیش در میان مردم افغانستان تجرید کرده و به حیث یک گروه بی ریشه در دست خویشت داشته باشد تا سالیان سال بتواند به وسیله آن ها جنگ را در افغانستان تداوم بخشد.

رهبران سیاسی پاکستان گرچه مسلمان های خوبی نبوده اند؛ اما از بدو تاسیس این کشور، از نام اسلام به خوبی بهره برداری سیاسی کرده اند. پروژه طالبان، آخرین نیرنگی ست که به نام اسلام توسط زمامداران پاکستان طرح ریزی شده است. زیرا حمایت از این گروه، هم برای مردم مسلمان پاکستان جذاب است و هم مقاومت مردم افغانستان را به دلیل وجهه علمای دینی، تضعیف می کند و یا دست کم به تاخیر می اندازد.

احمدشاه مسعود در مورد طالبان می گفت؛ زمانی پاکستان دست به تشکیل گروه طالبان زد، که هزاران تن از این افراد در مدارس پاکستان درس می خواندند و زنده گی فلاکت باری را سپری می کردند. آن ها در انتظار فرصتی بودند که برای شان سخت ایده آل ولی دست نیافتنی می نمود. این افراد جوان و پُر عرقه تنها از این جهت که مجهز به یک ایدئولوژی افراطی بودند و برای رسیدن به هدف آماده گی داشتند، مورد پسند پاکستان نبودند؛ بلکه آنان بر اساس باورهای شان، اطاعت از بزرگان خویشت را وجیبه شرعی می دانستند و به زنده گی ساده و فقیرانه عادت داشتند که با تحریک سیاسی و تعلیم نظامی، آماده مقابله

با هر نیرویی بودند. بدین ترتیب، گروه طالبان هم از نظر تشکیل و هم از نظر حمایت مالی، برای پاکستان ارزان و مفید بود. علاوه بر آن، فهم نازل طالبان در مسایل سیاسی، به پاکستان این فرصت را داد که به آسانی آن ها را اداره کند.

نامزد کردن ملا عمر در رأس طالبان، خود شگرد جالب دیگری است؛ او عکس را حرام می داند، با هیأت های خارجی و خبرنگاران صحبت نمی کند، پس بر دولت پاکستان است که خلای حضور او را پر کند و به جای او حرف بزند.

برای آن که پاکستان حمایت مردمش را در امر مداخله در افغانستان کمایی کند، قضیه افغانستان را با امنیت ملی پاکستان مرتبط می شمارد و آن را «جست و جوی عمق استراتژی یک» می خواند. بنابراین، پاکستان در برابر سوال مردم خود و جهانیان، مداخله در افغانستان را نه از سر توسعه جویی و قدرت طلبی، بلکه از روی ناگزیری می خواند و چنین وانمود می دارد که گویا پاکستان برای بقای خود مجبور است در افغانستان یک رژیم دوست داشته باشد، ورنه در مقابل با دو جبهه شرق (هند) و غرب (افغانستان) نمی تواند به حیات خود ادامه دهد. این استدلال تا حد زیادی افکار مردم پاکستان را در راستای سیاست های دولت پاکستان، استقامت بخشیده است و حتا نظامیان پاکستان با این استدلال، جلو نواندیشی حکومت های ملکی پاکستان را در امور افغانستان گرفته اند و مداخلات خود را در کشور ما، پیوسته زیر عنوان همدستی دولت افغانستان با هند توجیه کرده اند.

اسلام آباد رهبری گردد. از نظر سیاسی، هدف پاکستان، منزوی ساختن افغانستان در منطقه و متفرق نگه داشتن اقوام ساکن افغانستان در داخل است تا بتواند آن را به خوبی کنترل کند.

پاکستان ابتکار میانجی گری میان دولت و حکمتیار را برای همیشه به دست گرفت و نشست هایی میان سران مجاهدین در اسلام آباد تشکیل داد. با این شیوه، پاکستان هم حمایت خود را از گلبدين حکمتيار پرده پوشی می نمود و خود را بی طرف جا می زد، از جانی هم نگذاشت دست کشورهای دیگر در قضیه افغانستان دراز شود.

وقتی به استراتژی پاکستان نگاه شود، حمایت از اسامه معنی خود را می یابد. پاکستان برای آن که طالبان وابسته به خود را وابسته تر کند و نگذارد با جهان روابط سیاسی برقرار نمایند، پشتیبانی از «اسامه» بهترین وسیله است. با این شیوه، طالبان را در جهان بدنام و منزوی نموده و کلید تمام مناسبات سیاسی آن گروه را به دست می گیرد.

مخدوش ساختن چهره مردم افغانستان در سطح بین المللی، یکی از برنامه های کاری عمده پاکستان است. آن کشور به شیوه های مختلف کوشیده است مردم افغانستان را «جاهل» و «ناآشنا به اصول و قوانین بین المللی» نشان دهد. بنابراین، رفتار طالبان در برابر هیأت های دیپلماتیک و موسسات امداد بشری، یک سره از عقب مانده گی فرهنگی طالبان آب نمی خورد، بلکه تلقینات آی.اس آی نیز به منظور بدنام ساختن مردم افغانستان، نقش به سزایی در این راستا دارد.



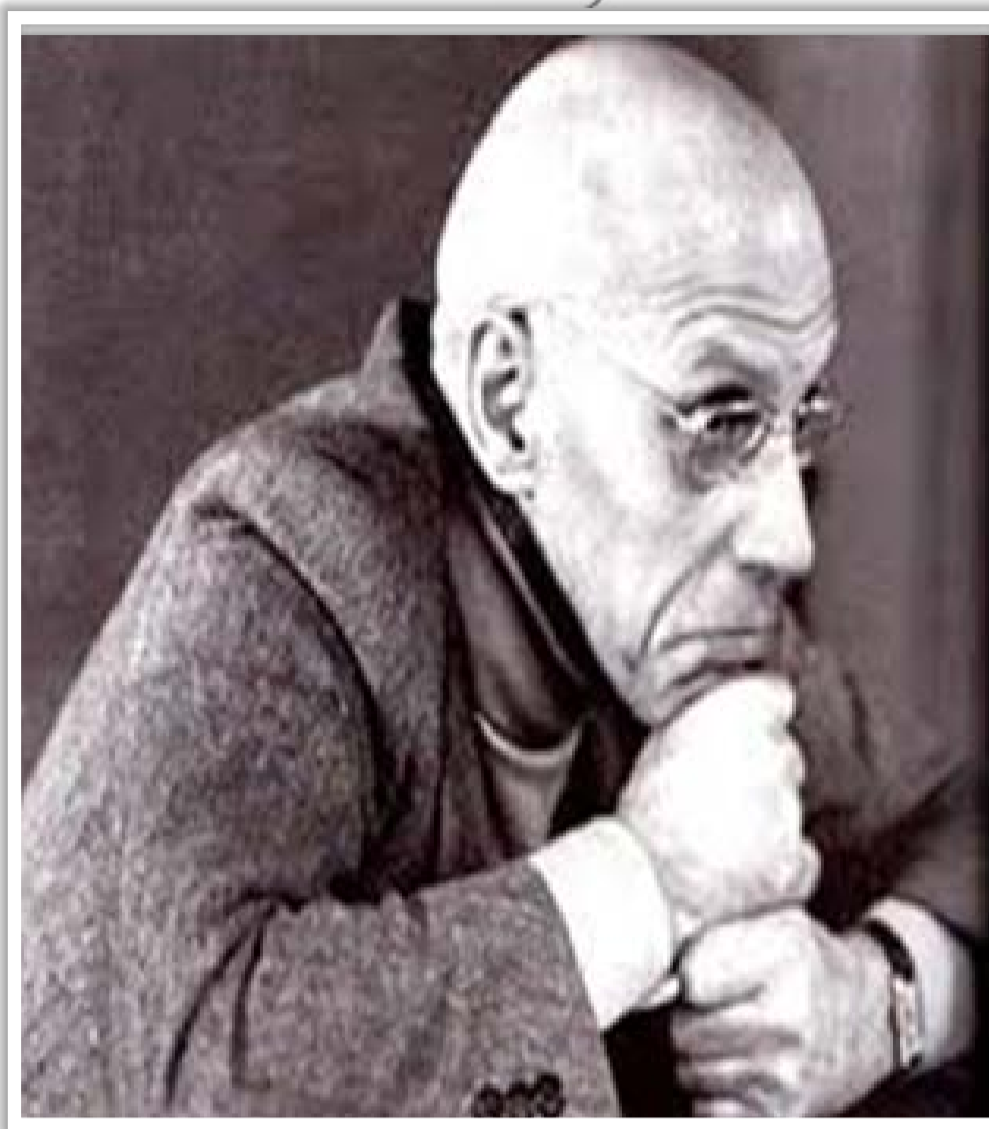
**محمد مهدی میرلو**

میشل فوکو (۱۹۸۴-۱۹۲۶) در مقام یکی از اندیشمندان اجتماعی مطرح قرن بیستم و یکی از روشن‌فکران مشهور فرانسه، تأثیری شگرف در حوزه جامعه‌شناسی داشته است. به تعبیر پیتر همیلتون، فوکو را نمی‌توان در ذیل یکی از عناوین شسته‌رفته‌ی همچون جامعه‌شناس، فیلسوف یا روان‌شناس قرار داد، هرچند در هر یک از قلمروهای ذکر شده تأثیرات و خدمات غیرقابل انکاری از وی به‌جا مانده است.

از جمله کسانی که با نگاه عالمانه به بررسی آرا و اندیشه‌های میشل فوکو پرداخته‌اند، می‌توان به بری اسمارت (Barry Smart) اشاره کرد. اسمارت در کتاب خود تحت عنوان «میشل فوکو» از طریق رهیافتی عالمانه و منظم به توصیف و تحلیل مضامین اصلی آثار فوکو پرداخته است. در این مقاله سعی بر آن است با مبنا قرار دادن کتاب اسمارت، نگاهی به حیات علمی فوکو انداخته و نظرات وی را پیرامون حبس و نگهداری، دیوانه‌گی و خرد مورد بررسی قرار دهیم.

**زنده‌گی‌نامه**

میشل فوکو در سال ۱۹۲۶ در پوآرتیه فرانسه چشم به جهان گشود. پس از طی دوران تحصیلات ابتدایی و کسب مدرک لیسانس از یک مدرسه کاتولیک، در امتحان ورودی دانشگاه سوربن شرکت کرد و در آن قبول شد. در سال ۱۹۴۷ لیسانس فلسفه خود را از اکول نورمال سوپریور دریافت کرد. در آن زمان فضای فکری فرانسه متأثر از اندیشه‌های اگزیستانسیالیسم و پدیدارشناسی بود، هرچند سیطره اندیشه‌های مارکسیسم را نیز نباید نادیده گرفت. به تعبیر بری اسمارت «هر یک از این دستگاه‌های فکری و وظیفه خود می‌دانستند که به بررسی انتقادی واقعیت شکل‌های زنده‌گی پس از جنگ بپردازند.» (اسمارت، ۱۳۸۵، ص ۱۳) با وجود این، اگزیستانسیالیسم و پدیدارشناسی که به «فلسفه سوپزه» معروف هستند، به دلیل تأکید بر آگاهی فردی و آزادی



# تاریخ خرد و دیوانه‌گی انسان در نگاه میشل فوکو

انتخاب بر اندیشه‌های مارکسیسم غلبه کردند. هرچند چنین تقابلی و غلبه را باید به عرصه مسایل فلسفی و تحلیلی و نه سیاسی محدود کرد. در سال ۱۹۵۰ فوکو به روان‌شناسی روی آورد و در سال ۱۹۵۲، فوق لیسانس آسیب‌شناسی روانی را دریافت کرد. علاقه وی به پژوهش پیرامون روان‌پزشکی و بیماری روانی موجب شد که کتاب بیماری روانی و روان‌شناسی (۱۹۶۶) را منتشر کند. مسافرت‌های پژوهشی و فعالیت‌های علمی وی موجب شد که او در دانشگاه هامبورگ آلمان با نگارش رساله‌ی درباره دیوانه‌گی، درجه دکتری خود را دریافت کند.

پس از تثبیت جایگاه علمی فوکو، اولین کرسی استادی فلسفه در دانشگاه کلرمون فران (Clermont Ferrand) در سال ۱۹۶۴ به وی اعطا شد. از آن زمان به بعد فوکو با عناوین و القاب مختلف و متعارضی شناخته شده است. باستان‌شناس فرهنگ غرب، فیلسوف، مورخ، فرزند سرکش ساختارگرایی و پوچ‌گرا تنها بخشی از عناوین و القابی است که به وی اطلاق شده است.

واقعیت این است که فوکو در عین حال که یک فیلسوف و مورخ است، ولی فیلسوف و مورخ به معنای متعارف و معمول آن نیست. به همین دلیل وی کرسی خود را در کولژ دو فرانس «استاد تاریخ نظام‌های فکری» نامید تا تفاوت خود را با دیگران به‌وضوح نشان دهد. بدون شک از دهه ۱۹۶۰ به بعد اندیشه‌های فوکو در کنار اندیشه‌های اندیشمندان دیگر همچون دولوز، آلتوسر و دریدا تأثیر شگرفی بر فضای فکری فرانسه داشته است. فوکو در نگارش آثار خود متأثر از استادان و متفکران پیش از خویش بوده که در این میان مارکس، فروید و نیچه بیش از همه بر وی تأثیر گذاشتند.

در این میان، نوعی همگرایی میان آثار فوکو و آثار وبر و مکتب فرانکفورت دیده می‌شود که نمود آن را می‌توان در علاقه به بررسی آغاز و بسط اشکال مختلف عقلانیت در فرهنگ غرب و پیامدهای مربوط به آن مشاهده کرد. در مجموع به تعبیر بری اسمارت، آثار فوکو از منظر روان‌شناسی باید در کنار پدیدار شناسی، هرمنوتیک،

ساختارگرایی و مارکسیسم مورد بررسی قرار گیرد. با وجود تشابه روش‌شناختی میان فعالیت‌های فوکو و رهیافت‌های روش‌شناختی ذکر شده، بری اسمارت در کتاب «میشل فوکو» کار فوکو را متمایز از سایر رهیافت‌ها دانسته و می‌نویسد:

«کار فوکو با پدیدارشناسی تفاوت دارد، چون هیچ تلاشی برای جست‌وجوی معنا از طریق فرض گرفتن فعالیت معنابخش سوژکتیویته خودمختار صورت نمی‌پذیرد، تفاوت کار فوکو با رهیافت هرمنوتیکی در این است که هیچ مفهومی از حقیقت غایی یا ژرفی که در انتظار کشف شدن باشد، در کار فوکو وجود ندارد و تفاوت کار فوکو با ساخت‌گرایی در این است که اگر چه مفاهیم معنا و سوژکتیویته از صحنه و از کانون توجه خارج می‌شود، اما این کار به معنای اولویت و ارجحیت دادن بر ساختن مدل صوری و قاعده رفتار انسان نیست.

و سرانجام کار فوکو را می‌توان از چند جهت در ارتباط اما متمایز از مارکسیسم به شمار آورد. برای مثال، تحلیل‌های فوکو متوجه رویدادهای محلی یا خاص بوده است نه فرآیندهای جهان‌شمول؛ هدف تحلیل‌های فوکو بازیافتن و نجات معرفت است نه بر ساختن دستگاهی از نظریه نظام‌آفرین، رویدادها بر اساس چندین فرآیند و عامل تحلیل و تبیین می‌شوند نه بر حسب عامل تعیین‌کننده غایی و منفردی مثل اقتصاد.» (اسمارت، ۱۳۸۵، ص ۱۸ و ۱۹)

به مرور زمان، گرایش به سیاست در اندیشه‌های فوکو پُررنگ‌تر شد که نمود آن را می‌توان در انتقادهای وی از سیاست مارکسیستی مشاهده کرد. توجه به سیاست و انتقاد از واقعیت‌های زنده‌گی در «جامع بالفعل سوسیالیستی»، نشانگر توجه فوکو به تعهد سیاسی روشن‌فکر دوران مدرن است. چنان که خود وی در یکی از آثارش می‌نویسد: «نقش یا تعهد سیاسی شایسته روشن‌فکر مدرن دیگر این نیست که در جایی جلوتر و در حاشیه جای بگیرد تا حقیقت منکوب و مسکوت‌جماعت را آشکار کند، بلکه باید با شکل‌هایی از قدرت مبارزه کند که او را به ابژه و ابزار خویش در حوزه معرفت، حقیقت، آگاهی و گفتمان تبدیل می‌کنند. از این جهت، نظریه به معنای بیان، ترجمه، یا کمک

به کاریست عملی نیست؛ نظریه خود عمل است.» (نقل از اسمارت، ۱۳۸۵، ص ۱۹)

**دیوانه‌گی و تمدن**

رساله دکتری فوکو درباره دیوانه‌گی بود که نخستین بررسی فوکو نیز به شمار می‌آید. فوکو در «دیوانه‌گی و تمدن» به طرح پرسش پیرامون شرایط تاریخی پیدایش تمایز میان خرد و بی‌خردی، خرد و دیوانه‌گی در قرن هفدهم می‌پردازد. همچنین مسأله «پیدایش توسعه علوم روان‌پزشکی و روان‌شناسی در کنار تحلیل افول رژیم پیشین و پیدایش تیمارستان» در اواخر قرن هجدهم مورد توجه فوکو قرار گرفته است. از نگاه فوکو، تمایز میان دیوانه‌گی و عقل، رویداد تاریخی و مهمی به شمار می‌آید که سلطه عقل مدرن را رقم زده است.

به اعتقاد فوکو پیش از جریان روشن‌گری و به‌ویژه در سده‌های میانه و دوره رنسانس، دیوانه‌گی لزوماً مترادف با بی‌خردی نبود، بلکه نوعی پیوند با صور خاص و مقدس معرفت برقرار کرده بود که بصیرت‌هایی پیرامون وضعیت بشری ارابه می‌داد. هدف مطالعات فوکو پیرامون دیوانه‌گی، بازگشت به نقطه شروع دیوانه‌گی است که دیوانه‌گی متمایز نشده است. در واقع دغدغه اصلی فوکو به تعبیر بری اسمارت عبارت است از بررسی «مسأله شکل‌گیری تاریخی عقل و جنون به عنوان مراتب جداگانه و متمایز تجربه یا به سکوت خزیدن دیوانه‌گی به‌واسطه اوج‌گیری تک‌گویی عقل.» (همان منبع، ۱۳۸۵، ص ۲۳ و ۲۴)

فوکو دیوانه‌گی و تمدن را با بررسی شرایط حاکم بر جذام‌خانه‌ها در طول سده‌های میانه آغاز می‌کند. به اعتقاد فوکو به واسطه جداسازی و طرد از اجتماع، جذام در دنیای غرب ریشه‌کن شد، ولی چنین امری منجر شد که در سده‌های هفدهم و هجدهم بی‌نویان، مجرمان و معلولان ذهنی نیز به سرنوشت جذامیان دچار شده و از جامعه طرد شوند. فوکو در رساله خویش توجه خاصی به دوره ۱۶۵۶ تا ۱۷۹۴ دارد. در این مقطع زمانی دو رویداد مهم رخ داد: (۱) تأسیس هوسپیتال ژنرال در پاریس و ایجاد مراکز متعدد نگاه‌داری

(۲) تلاش پینل برای رهایی دیوانه‌گان از غل و زنجیر در سال ۱۷۹۴  
هوپیتو ژنرو (hopitaux generaux) در واقع نهاد یا ارگان پزشکی نبود، بلکه چیزی میان کارگاه و زندان بود که توسط حکومت در جهت ایجاد و ثبات و نظم اجتماعی تأسیس شده بود. ساکنان هوپیتوژنرو را بی‌نویان، بی‌کاران، مجرمان و دیوانه‌گان تشکیل می‌داد. از نگاه فوکو در پس تأسیس چنین مکانی، یک پندار اخلاقی قرار داشت و آن توجه به این مسأله بود که بی‌انضباطی و بطالت اخلاقی، امری مذموم و کار و فعالیت امری شایسته و پسندیده است. به همین دلیل گاه از این نوانخانه‌ها به عنوان شهرهای اخلاقی یاد می‌شد.

در سده هفدهم پیامد حبس و کار اجباری در نوانخانه‌ها، کنترل ولگردی و بی‌بندوباری بود. با وجود این، میان دیوانه‌گان و سایر گروه‌های ناموجه فاصله‌ی ایجاد شد و مکان‌های خاصی برای نگهداری دیوانگان در نظر گرفته شد. سایر گروه‌های ناموجه همچون فقرا و مجرمان به دلیل کار اجباری بخشی از نیازهای جامعه را تأمین می‌کردند، ولی دیوانه‌گان که فاقد عقل و خرد بودند، در «حیوانیتی لگام‌گسیخته به‌سر می‌بردند و به همین دلیل تنها از طریق خشونت و انضباط قهری با آنان برخورد می‌شد. در واقع تنها هدف پیش رو برای متولیان در مقابل دیوانه‌گان، کنترل آن‌ها بود نه ارتقای آن‌ها از حیوانیت به انسانیت.»

در سده هجدهم، خطر سرایت عفونت‌ها و بیماری‌های مربوط به دیوانه‌گان موجب اضطراب در جامعه شد. در واقع چنین اضطرابی موجب شد که دنیای بی‌عقلی با جهان پزشکی مرتبط شود. توجه به این نکته مهم است که ورود پزشکان به جهان مطرود دیوانه‌گان به دلیل حمایت از دیوانه‌گان نبود، بلکه به‌عکس باید آن را به منظور مصون ماندن محیط‌های همجوار نوانخانه‌ها که در معرض خطر بودند، تلقی نمود. به همین دلیل فوکو چنین ورودی را نه یک پیشرفت، که نوعی پسرفت تلقی می‌کند.

نخستین نهضت انسان‌گرایانه درباره دیوانه‌گان و بیماران روانی توسط فیلیپ پینل (philippe pinel) اصلاح‌گر فرانسوی قرن هجدهم، انجام شد. به دستور پینل غل و زنجیر از دست و پای دیوانه‌گان باز شد و امکان استفاده از هوای آزاد برای آن‌ها فراهم گشت. در واقع کار پینل را می‌توان نوعی درمان‌گری اخلاقی (moral therapy) تلقی کرد که هرچند جنبه غیرعلمی داشت ولی تأثیری شگرف به‌جا گذاشت. پینل معتقد به اعمال اصول آزادی و برابری در مورد بیماران روانی نبود، بلکه حتا بر اعمال زور در مراقبت اعتقاد داشت، ولی تأکید می‌کرد زمانی اعمال زور می‌تواند مفید باشد که جنبه روان‌شناختی داشته باشد و نه جسمانی. با وجود اهمیت کار پینل، افکار عمومی با او همراهی نکرد و مردم همچنان به دیوانه‌گان با سوءظن نگاه می‌کردند. در عین حال باید خاطر‌نشان کرد که پیامدهای سیاسی اندیشه‌های پینل، بالقوه جامعه را با بحران مواجه می‌کرد. بری اسمارت در توصیف اهداف مد نظر پینل می‌نویسد:

«دیگر هدف این نبود که دیوانه‌گان همچون جانوران وحشی با خشونت به قید و بند کشیده شوند، بلکه با استفاده از روش‌های نظام‌مند کنترل، فعالیت‌های روال‌مند و در صورت لزوم تهدید به مجازات، در پی دستیابی به تقویت درونی‌سازی ارزش‌های اخلاقی و قواعد رفتاری معینی بودند.»

هدف این بود که از طریق کار و مشاهده، خصلت خویش‌داری در دیوانه‌گان تعبیه شود و دیوانه‌گی را در نظام پاداش‌ها و تنبیه‌ها به بند بکشند. نظامی که همدستی و اطاعت دیوانه‌گان پیش‌شرط ضروری آن بود.» (همان منبع، ۱۳۸۵، ص ۲۹ و ۳۰) از نگاه فوکو ورود روان‌پزشک به تیمارستان‌ها در واقع ورود شخصی بود که نماد عقلانیت و نه سرکوب فیزیکی به شمار می‌رفت. فوکو معتقد است در قرن هجدهم اقتدار اخلاقی روان‌پزشک و نه صرفاً دانش پزشکی وی، موجب معالجه و درمان دیوانه‌گان و بیماران روانی شد. هرچند فوکو تصریح می‌کند که با شروع قرن نوزدهم، ماهیت قدرت روان‌پزشک به دلیل شکل‌گیری دانش پزشکی بر مبنای ملاک‌های پوزیتیویسم در هاله‌ی ابهام قرار گرفته است.

**منابع:**

- ۱- آزاد حسین، آسیب‌شناسی روانی، ج ۱، انتشارات بعثت، چاپ نهم، ۱۳۸۴
- ۲- اسمارت بری، میشل فوکو، ترجمه لیلیا جوافشاری، حسن چاوشیان، انتشارات اختران، ۱۳۸۵
- ۳- روزنهان دیوید، سلینگمن مارتین، آسیب‌شناسی روانی، ج ۱، ترجمه یحیی سید محمدی، نشر ساوالان، چاپ نهم، ۱۳۸۷.



رییس جمهور غنی به نماینده گان جهان:

# کشوری زخمی و ورشکسته هستیم

## کابل به خوابگاه بیکاران تبدیل شده است

رییس جمهور غنی روز شنبه میزبان نشست مقامات عالی رتبه کشورهای کمک کننده به افغانستان بود. نماینده گان ۷۰ کشور و سازمان های بین المللی در این نشست شرکت داشتند.

این نشست به دنبال کنفرانس ریکا برگزار شد و مقام های افغانستان پیشرفت ها و چالش های اقتصادی کشور را برای نماینده گان کشورهای جهان تشریح کردند. شهر کابل در سه روز اخیر به دلیل برگزاری نشست های ریکا و مقامات عالی رتبه، شاهد بیشترین تدابیر امنیتی است. حکومت روز شنبه را در کابل تعطیل اعلام کرده و گشت و گذار و سایش در نزدیکی های ارگ ممنوع شده است.

نشست نماینده گان عالی رتبه زمانی در کابل برگزار شد که افغانستان از وضعیت نابسامان اقتصادی رنج می برد. صدها پروژه بازسازی با خروج نیروهای خارجی متوقف شده و وضعیت اقتصادی مردم با گذشت هر روز بدتر می شود.

رییس جمهور غنی گفت: افغانستان با سوالات جدی فقر، ملت سازی، مهارت و اقتصاد جهانی مواجه است. او افزود که افغانستان زمانی چهار راه تجارت بین شرق و غرب بود اما چهل سال جنگ همه زیربنای اساسی این کشور را فروریخت.

غنی گفت: «توسعه اقتصادی افغانستان بسیار بسیار کند است. ما با چالش های جدی امنیتی پس از سقوط طالبان مواجه هستیم. نه تنها مردم ما با مشکلات اقتصادی روبرو هستند بلکه کودکان ما و کودکان کودکان ما نیز با این چالش روبرو خواهند بود.»

افغانستان در شرایط دشوار اقتصادی به سر می برد. کمک های میلیاردی جهان برای این کشور کاهش یافته و مردم این کشور نمی توانند چرخ زندگی را از راه زراعت، صنعت و تجارت به چرخش درآورند. جوانانی که تا پنج

سال پیش با معاش های بلند دالری در موسسات خارجی کار می کردند این روزها یا در فکر فرار هستند و یا به بیکاران خانه نشین تبدیل شده اند.

رییس جمهور افغانستان در این کنفرانس تاکید کرد که به منظور بهبود وضعیت اقتصادی در این کشور باید قابلیت تولید بلند برده شود و میزان واردات کاهش یابد. به باور آقای غنی تنها سیاست بازار نمی تواند مشکل را حل کند بلکه باید سکتور دولتی نیز در مشارکت با سکتورهای خصوصی در بازار فعال باشند.

ایجاد یک دستگاه نیرومند دولتی برای بهبود وضعیت اقتصادی به باور رییس جمهور افغانستان بسیار ضروری است و این زمانی ممکن است که در شکل کنونی حکومت داری تغییراتی به میان آید.

### کشور ناتوان،

رییس جمهور افغانستان خطاب به نماینده گان کشورهای جهان گفت که کشورش ورشکسته و ناتوان است: «افغانستان یک کشور زخمی است. از دید اجتماعی ما پنج میلیون مهاجر در بیرون و یک میلیون بیجا شده داخلی داریم. میزان فقر در کشور ما هنوز در جای خودش قرار دارد.»

غنی افزود که کابل به خوابگاه بیکارانی تبدیل شده که برای یافتن کار آمده اند ولی «اقتصاد پوشالی» کنونی نمی تواند جوابگوی اشتغال برای این بیکاران باشد. از سوی دیگر افغانستان سالانه ۴۰۰ میلیون دالر صادرات و ۱۲ میلیارد دالر واردات دارد.

رییس جمهور افغانستان به این باور است که اگر حتی این کشور با تهدید تروریسم مواجه نمی بود، بیلاس نابرابر تجارت کافی بود که مردم افغانستان را با رنج فقر دائمی مواجه سازد.

## به مقامات کابل گفتیم به تبلیغات...

سرتاج عزیز پیش از سفر به کابل روز پنجشنبه در گفت و گو با رادیو آزادی گفته بود: در صورتی که افغانستان خواسته باشد کشورش حاضر است تا برای از سرگیری مذاکرات صلح میان مقامات دولت افغانستان و طالبان زمینه سازی کند. سرتاج عزیز پس از برگشت از کابل به پاکستان در مورد مذاکرات صلح میان نمایندگان حکومت افغانستان و طالبان به تلویزیون دولتی کشورش گفت: برای همه آشکار است که بدون مذاکرات، صلح تأمین نمی شود اما اینکه مذاکرات چگونه صورت خواهد گرفت در آینده روی آن صحبت های مفصلی خواهیم داشت. در این میان بررسی خواهیم کرد که برای از سرگیری مذاکرات صلح تا چه حد امکانات وجود دارد زیرا رهبری طالبان در حال تغییر است.

قرار بود دور دوم مذاکرات صلح افغانستان ماه گذشته یکبار دیگر به میزبانی پاکستان برگزار شود اما انتشار خبر مرگ ملا عمر رهبر طالبان دو روز پیش از مذاکرات صلح این روند را تا مدت نامعلومی به تعویق انداخت.

## ملا عمر در صورت سرکشی از...

سیاست های خود را بر این گروه تطبیق کند. در این مدارک آمده است که آقای پیکرینگ در دیدار با رییس جمهور پاکستان درباره گفت و گو با طالبان گفته بود: «مشکل عمده ما در گفت و گو با طالبان این است که بهترین دوست ما با بدترین دشمن ما دوست است». او در این دیدار همچنان نسبت به وخیم شدن روابط روزتاروز آمریکا و پاکستان ابراز نگرانی کرد و مشرف نیز در مقابل این نگرانی آمریکا گفته بود که پاکستان به خوبی نگرانی های ایالات متحده را درک می کند.

این مدارک در حالی منتشر شده است که هنوز یک ماه از نشر خبر مرگ رهبر طالبان نمی گذرد. مرگ ملا عمر سبب گردید تا روابط پاکستان و افغانستان که در فصل بهتری قرار داشت حساس شود و دومین نشست رسمی گفت و گوهای صلح حکومت افغانستان با طالبان تا زمان نامعلومی به تعویق افتد.

## رییس کمیسیون اصلاحات انتخاباتی:

# برگزاری انتخابات پارلمانی با رهبری فعلی کمیسیون ها امکان پذیر نیست



این خصوص مشکل در کجا بود؟

وقتی که ما می خواهیم دموکراسی را در کشور خود تطبیق کنیم و آهسته آهسته نهادینه بسازیم، باید بگذاریم هر هموطن ما حق داشته باشد که ابراز نظر کند. دو نفر از همکاران ما در یکی از روزها یک کنفرانس داشتند، به عقیده ما، هر افغان خوب است که نظرات خود را بدهند و در عین حال، فکر میکنم که در هر نظام و جامعه، باید یک سلسله اصول، نافذ باشد.

آنچه در کمیسیون، طی مراحل و مطالعه شده است، طبق یک سلسله اصولی شده است که در فرمان رییس جمهور آمده است و حال بر این که کدام نظر برای افغانستان مفید است بگذاریم هموطنان ما، حکومت ما و خاصاً رهبری حکومت که حالا پیشنهادات ما روی میزشان است و صلاحیت تصمیم گیری دارند، فکر کنند. باور دارم که این دو همکار ما، نظرات متفاوت داشته اند، این از دیدگاه حکومست نسبت به افغانستان و نسبت به افراد نشده است بلکه یک فکر است. آنها هم طرز فکرشان مهم است ولی اکثریت همکاران فکر دیگری داشته اند که در اصلاح نظام انتخاباتی مفید است.

هموطنان میدانند که وضعیت افغانستان مبهم است و این که طرح ما در چه زمانی تطبیق شود، حکومت مصلحت های کشوری را بهتر از ما می دانند ولی یک امر مهم را می دانیم و متوجه باشیم که ما باید کشور خود را و مردم خود را به سوی دموکراتیزه شدن و مدنی شدن به حرکت آوریم.

در شرایط کنونی، کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی در تقابل با کمیسیون های انتخاباتی شامل کمیسیون انتخابات و شکایات انتخاباتی قرار گرفته است؛ یقیناً آن کمیسیون ها از حمایت حلقاتی برخوردار هستند، چپ فکر می کنید، آیا تصمیمگیری های آن دو کمیسیون، کارکردهای شما را تحت تاثیر قرار نخواهد داد؟

بسیار تشکر. یک بار هموطنان ما و کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون شکایات انتخاباتی مراجعه کنند به اینکه چرا کمیسیون خاص اصلاحات نظام انتخاباتی ایجاد شد؟ ضرورت ایجاد این

از این که پیشنهادات ما از طرف رهبران قبول شود، درباره تطبیق عملی آن هدایت داده شود. من باور دارم که اصلاحات ظرفیتی و ساختاری نیز در کمیسیون ها رونما خواهد شد. از همین جا بر اساس محاسباتی که داریم، یقیناً کمیسیون انتخابات و کارکنان شان از لحاظ تخنیکي بهتر میدانند، ما فکر میکنم که حدود یک سال این آمادگی ها در بر می گیرد و تقویم انتخاباتی از وظیفه کمیسیون انتخابات است که باید اعلام کند.

آقای عاکفی، باتوجه به گزینش اعضای کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی، آیا قادر خواهید بود تا با ارائه طرح اصلاحی، چالش انتخاباتی های آینده را به طور بنیادی حل کنید؟ تا بار دیگر، اشتباهات گذشته در انتخابات آینده تکرار نشود!

در ترکیب اعضای کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی، خوشبختانه دو عضو بحرال پارلمان، اعضای دوره های گذشته که مرجع مقننه است حضور دارند. در ترکیب ما حقوقدانان، رییس تقنین وزارت عدلیه و افراد دیگری هستند که تجربه و تخصص دارند. از جانب دیگر، این را مسئولان می گویم که اعضای کمیسیون ما دوستانی هستند که هیچگاه در چهل روز گذشته احساس نکرده ایم که کدام عضو مربوط کدام قوم، حزب و یا مورد دیگری مربوط می شود، بلکه همیشه بحث کردیم که چگونه می توانیم منافع ملی علیای کشور را از طریق برگزاری انتخابات خوب تر حفظ کنیم.

فکر ما همین است که چگونه وحدت ملی مردم را تحکیم کنیم و چگونه می توانیم صلح و ثبات در نتیجه انتخابات آینده به وجود آید که اعتماد از دست رفته مردم را به دست بیاوریم؟ چگونه می توانیم بار دیگر، روند برگزاری انتخابات سالم، احیا شود و روزی شود که اکثریت رای دهنده ها، نتیجه انتخابات را بدون تشکیک بپذیرند.

آقای عاکفی، گام بعدی کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی چی خواهد بود؟

گام بعدی ما در رابطه به انتخابات ریاست جمهوری چهار سال بعد خواهد بود که تمام تلاش را خواهیم کرد تا انتخابات ریاست جمهوری چهار سال بعد، شفاف تر و بهتر نسبت به گذشته ها برگزار شود. البته بعضی مسایل مهم است که فرصت داریم که در مرحله اول زیاد وقت نکرده ایم، و آن مطالعه دقیق تفکیک تخطی ها و تخلفات انتخاباتی از جرایم انتخاباتی است. این امر مهم است. در سه انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی و ولسی جرگه، نگرانی هایی بود و مردم ناراض بودند ولی هیچگاهی کارمند انتخاباتی که تقلب و تخطی کرده بود، محاکمه نشد.

معنی آن چیست؟ این است کسانی که انتخابات را زیر سؤال می برند، از آن ها بازپرسی وجود نداشت. یکی از پیشنهادات جدی ما در آینده این است و این خواهد بود که تخطی ها و تخلفات از جرایم انتخاباتی جدا شود، جرایم انتخاباتی تثبیت شود و برای آن ها، جرایم جزا معین شود و بر اساس قانون، آنانی که به تقلبات و تخلفات دست میزنند، به نهادهای عدلی و قضایی معرفی گردیده تا به محاکمه کشانیده شوند.

وحیده فروزان- خبرنگاری جمهور





## واکنش منچستر یونایتد به اظهارات رییس رئال مادرید

انتقال‌های تابستانی دریافت کردند و زمانی ثبت کردن نام او در فدراسیون فوتبال اسپانیا به عنوان بازیکن رئال مادرید نداشتند. پس از این اتفاق بود که سران رئال مادرید به انتقاد از رفتار یونایتد پرداختند و آنها را متهم کردند که به عمد و برای انجام نشدن این انتقال، مدارک دخیا را دیر ارسال کرده‌اند. البته یونایتد هم تاکید کردند به موقع مدارک را فرستادند اما اشکال از رئالی‌ها بوده که نتوانستند نام دخیا را ثبت کنند. فلورنتینو پرس، رییس باشگاه رئال مادرید پس از این اتفاق‌ها در گفت‌وگویی اعلام کرد منچستر یونایتد در زمینه انتقال دخیا بی‌تجربگی کرده و در صحبت‌های دیگری از سران این باشگاه انتقاد کرد. اکنون یونایتد‌ها به شکل رسمی پاسخ انتقادهای پرس را داده‌اند.

سخنگوی باشگاه منچستر یونایتد هم در گفت‌وگویی به انتقاد از سران رئال مادرید پرداخت و تاکید کرد آنها نباید همه مسئولیت این اتفاق را به گردن یونایتد‌ها بیندازند. سخنگوی شیاطین سرخ در این زمینه گفت: «اتفاق‌های رخ داده، خودشان گویای همه چیز هستند. اتحادیه فوتبال انگلیس می‌داند که ما در این اتفاق کار درستی انجام داده و مدارک را به موقع ارسال کرده‌ایم. اگر شکایتی از ما صورت بگیرد، بدون شک اتحادیه مدارکی در دست دارد که به سود ماست. به نظر می‌رسد رئالی‌ها قصد دارند تمرکز رسانه‌ها و افکار عمومی را از روی اشتباه خنده‌دار خودشان بردارند. همیشه دوست داریم به خاطر اشتباه‌های خودمان، دیگران را مقصر جلوه دهیم. اگر تویی به اشتباه به دست شما برخورد کرده و وارد دروازه شود، این اشتباه شخص دیگری نیست به جز خودتان.» فلورنتینو پرس در مصاحبه‌یی که روز پنجشنبه انجام داد، تاکید کرده بود منچستر یونایتد برای ارسال مدارک دخیا به دفتر رئال مادرید، هشت ساعت را صرف کاغذبازی‌های معاوضه کیلور ناواس با دخیا کرده است و در نهایت هم مدارک را دیر ارسال کرده است.



باشگاه منچستر یونایتد به صحبت‌های رییس باشگاه رئال مادرید در مورد قضیه انتقال داوید دخیا واکنش نشان داد. به گزارش مارکا، داوید دخیا که از ابتدای نقل و انتقال‌های تابستانی مورد توجه رئال مادرید قرار داشت، در روز پایانی نقل و انتقال‌ها به خاطر دیر رسیدن مدارکش به دفتر باشگاه رئال، نتوانست به این تیم بپیوندد. رئالی‌ها مدعی هستند مدارک دخیا را در ساعت ۲۳:۵۹ دقیقه آخرین روز نقل و

## ابراز همدردی رونالدو با بحران پناهجویان



ستاره پرتغالی تیم فوتبال رئال مادرید با افرادی که به نوعی تحت تأثیر بحران پناهجویان اروپا قرار گرفته‌اند، ابراز همدردی کرد.

در ماه‌های اخیر هزاران آواره آفریقایی و آسیایی که عمدتاً سوری هستند به منظور زندگی بهتر و داشتن امنیت از دست جنگ‌های داخلی و فقر به کشورهای اروپایی سرازیر شده‌اند، اتفاقی که حالا اروپا را وارد بحران تازه‌ای کرده و این قاره را پس از جنگ جهانی دوم وارد جدی‌ترین آزمونش کرده است.

بر اساس گزارش‌ها در سال جاری (۲۰۱۵) تا کنون بیش از ۳۰۰ هزار پناهجو و مهاجر با گذر از دریای مدیترانه اروپا را برای مهاجرات انتخاب کرده‌اند. این آمار در سال گذشته میلادی ۲۱۹ هزار مهاجر بود. در خاورمیانه و در چهار سال گذشته چهار میلیون سوری که از جنگ‌های داخلی این کشور به تنگ آمده‌اند فکر مهاجرت به سرشان زده و سرازیر شدن آنها به سوی اروپا، سازمان ملل متحد را هم با جدی‌ترین مشکل خود در ۲۵ سال اخیر مواجه کرده است.

کریستیانو رونالدو، بهترین بازیکن جهان هم که تحت تأثیر بحران اخیر پناهجویان اروپا از جمله غرق شدن کودکی سه ساله که خبر درگذشت او کل جهان را در شوک فرو برد، قرار گرفته در صفحه‌های شخصی خود در شبکه‌های اجتماعی نوشت: «در تیم ملی پرتغال هیچکسی نسبت به بحران پناهندگان بی‌تفاوت نیست. تمامی ذهن و فکر ما با آنهاست.»

کریس رونالدو دوشنبه شب به همراه تیم ملی پرتغال در مرحله انتخابی یورو ۲۰۱۶ به مصاف آلبانی می‌رود.

## رونی اسطوره انگلیس می‌شود؟

کاپیتان انگلیس بر این باور است که با قهرمانی در جام جهانی می‌تواند همانند بابی چارلتون به اسطوره انگلیس بدل شود. به گزارش سایت گل، تیم ملی فوتبال انگلیس در رقابت‌های مقدماتی یورو ۲۰۱۸ شب گذشته میهمان سن مارینو است. سه شیر از ۶ دیدار پیشین خود در مرحله گروهی، ۱۸ امتیاز کسب کرده است و در صدر گروه E رقابت‌ها قرار گرفته است. سن مارینو اما با کسب تنها یک امتیاز، در رده ششم قرار دارد.

وین رونی که مدتی است بازوبند کاپیتانی تیم ملی فوتبال انگلیس را به بازو می‌بندد، می‌تواند رکورد گلزنی‌های بابی چارلتون، اسطوره باشگاه منچستر یونایتد و تیم ملی انگلیس را بشکند. چارلتون ۴۹ بار برای سه شیر گلزنی کرده و اگر رونی در رویارویی با سن مارینو بتواند دو گل بزند، رکورد چارلتون را می‌شکند. بهترین نمایش رونی در ترکیب تیم ملی انگلیس به رقابت‌های یورو ۲۰۰۴ بازمی‌گردد. او در آن رقابت‌ها موفق شد چهار گل بزند اما پس از آن در هیچ رقابتی نتوانست آنطور که باید، موفق ظاهر شده و انتظارات را برآورده کند.

به هر حال، وین رونی در هیچ شرایطی تسلیم نشده است. او توانسته تیم ملی فوتبال انگلیس را در رقابت‌های مقدماتی جام جهانی ۲۰۱۸ برزیل در شرایط خوبی قرار دهد. او اکنون با لیونل مسی و دیگو مارادونا در ترکیب تیم ملی فوتبال آرژانتین مقایسه می‌شود.

رونی در این زمینه گفت: چند سالی است که مردم می‌گویند لیونل مسی به هیچ وجه نمی‌تواند مانند دیگو مارادونا شود زیرا او نتوانسته قهرمانی در جام جهانی را در کارنامه داشته باشد. از نظر من اما مسی بازیکن بسیار بهتری نسبت به مارادوناست اما فوتبال همین است.

رونی اضافه کرد: در فوتبال همواره جام‌های قهرمانی هستند که اهمیت دارند. همه تیم‌ها به این شکل مورد قضاوت قرار می‌گیرند. بابی چارلتون این کار را انجام داده و با انگلیس در جام جهانی قهرمان شده است. من هم به اندازه کافی فرصت دارم که بتوانم تا این حد با تیم ملی فوتبال انگلیس موفق شوم.



## فرگوسن:

## نظم و انضباط با من عجین شده است



سرمری پیشین تیم فوتبال منچستر یونایتد می‌گوید که برایش نظم و انضباط بیشتر از هر چیزی ارزش داشته و ممکن است تندخویی او در رعایت نظم و انضباط باعث از دست رفتن چند جام هم شده باشد.

سرالکس فرگوسن در کتاب جدید خود با عنوان «رهبری» در بخشی از آن با اشاره به روش‌های مدیریتی خود، می‌گوید: نظم و انضباط از همان دوران کودکی با من عجین شده است. در روزهایی که مکتب می‌رفتم پدرم ساعت ۶ صبح پاهایم را تکان می‌داد تا از خواب بیدار شوم. شاید به همین خاطر بود که چند دهه بعد، به عنوان سرمری، عادت کرده بودم که پیش از اینکه شیرفروش از راه برسد، در محل کارم حاضر شوم.

فرگوسن که در سال ۲۰۱۳ به حضور ۲۷ ساله‌اش روی نیمکت منچستر یونایتد خاتمه داد، تصریح کرد: مردم به مدیران فرصت‌های بیشماری می‌دهند تا تازیه در دست بگیرند، از این رو بهترین کار این است که از فرصت‌های خودتان به بهترین شکل ممکن استفاده کنید. اغلب اوقات نیازی نیست که از تنبیهات استفاده کنید تا پیام خود را به دیگران برسانید.

سرمری پیشین شیاطین سرخ که در دوران پرافتخارترش با این تیم ۳۸ جام مختلف را فتح کرد، تصریح کرد: برای من نظم و انضباط بالاتر از هر چیز قرار داشت، حتی اگر به قیمت از دست دادن جام‌هایی تمام می‌شد.



## اردوغان:

### غرب در لیبیا و عراق به دنبال تسلط بر منابع نفتی بوده است



رئیس جمهور ترکیه اظهار کرد، منافع غرب در کشورهای جنگ زده نظیر عراق و لیبی متمرکز بر منابع طبیعی آنها به ویژه نفت است و آنها تعامل بدی با بحران فعلی مربوط به پناهجویان داشته‌اند.

به گزارش روزنامه حریت، «رجب طیب اردوغان»، رئیس جمهور ترکیه در اظهاراتی از این که برخی کشورهای اروپایی استانداردهای دوگانه دارند اظهار تاسف کرد و غرب را به دلیل «غرق کردن بشریت» محکوم کرد. اردوغان، سیاستهای غرب در کشورهای نفت‌خیز نظیر عراق و لیبی را که هر دو دچار اوضاع امنیتی وخیم بوده و مداخله های نظامی غرب را تجربه کرده اند، محکوم کرد.

رئیس جمهور ترکیه اظهار کرد: می‌دانید در این کشورها چه اتفاقی در حال رخ دادن است؟ در لیبی و عراق نفت هست پس بیایید چاه های نفت را تصاحب کنیم. آیا این وضعیتی که اکنون وجود دارد، نیست؟

اردوغان خاطر نشان کرد: ۸۰ درصد از چاه های نفت عراق تحت کنترل غرب است. در لیبی نیز این چنین است. در حالی که چنین واقعیهایی وجود دارند این ساختار بین المللی قابل پذیرش نیست.

رئیس جمهور ترکیه در ادامه اظهار کرد: تروریسم جهانی در حال سوزاندن سوریه و عراق است. کشورهای غربی حساسیت لازم را به این مساله نشان نمی‌دهند. من بار دیگر اقدامات برخی کشورهایی که از یک طرف در حال جنگیدن با یک سازمان تروریستی مشخص هستند اما از طرف دیگر سازمان تروریستی دیگری را مستقیم یا غیرمستقیم حمایت می‌کنند، محکوم می‌کنم.

اردوغان بر اهمیت همکاری همه جهان برای مبارزه با تروریسم تاکید کرد. به گفته رئیس جمهور ترکیه، مبارزه مشترک با تروریسم جهانی یکی از نقاط مهم دستور کار نشست گروه ۲۰ است که قرار است در ماه نوامبر در شهر ساحلی

آنتالیای ترکیه برگزار شود.

از آنجا که یکی از بزرگترین مسیرهای نقل و انتقال مهاجران از خاورمیانه به اتحادیه اروپا از خاک ترکیه می‌گذرد، اردوغان درباره بحران مربوط به مهاجران و پناهجویان نیز که اتحادیه اروپا را تهدید می‌کند، اظهار نظر کرد.

رئیس جمهور ترکیه تاکید کرد: کشورهای اروپایی که دریای مدیترانه را که گهواره یکی از کهن ترین تمدنهای جهان است، تبدیل به یک گورستان کردند، در گناه مرگ هر یک از پناهجویان شریک هستند.

صدراعظم آلمان گفت که این کشور می‌تواند امسال بدون افزایش مالیات‌ها و به خطر انداختن بودجه کشور از عهده مخارج موج پناهجویان و مهاجران برآید.

به گزارش خبرگزاری رویترز، با قوانین لیبرال پناهندگی و مزایای گسترده، آلمان بزرگترین پذیرای مهاجرانی است که به دلیل جنگ از خاورمیانه روانه این کشور می‌شوند و همچنین به دلایل اقتصادی آلمان پذیرای مهاجرانی از سوی جنوب شرقی اروپا است.

در ماه اگست ۱۰۴ هزار و ۶۶۰ پناهجو وارد آلمان شدند و انتظار می‌رود که این کشور ۸۰۰ هزار پناهجو تا پایان امسال بپذیرد.

با توجه به روند هجوم پناهجویان، دولت در نظر دارد که یک بودجه تکمیلی برای پناهجویان و کمک به شهرهایی که اکنون مشکلاتی برای تامین مکان و مراقبت‌های بهداشتی دارند به‌خصوص برای کسانی که تازه وارد کشور شده‌اند، اختصاص دهد.

در همین حال آنگلا مرکل گفت: ما مالیات‌ها را به دلیل حضور پناهجویان افزایش نمی‌دهیم. ما هنوز هدف خود را برای دستیابی به یک بودجه متعادل دنبال می‌کنیم بدون اینکه بدهی جدیدی داشته باشیم.

صدراعظم آلمان اضافه کرد: شرایط تثبیت شده درباره بودجه باعث شده است که این کشور به راحتی با مسائل غیرمترقبه مقابله کند. اکنون بحران پناهجویان، اولویت اول دولت است.

مرکل افزود: کل سیستم نیاز به بازطراحی دارد. باید وظایف و هزینه‌ها منصفانه‌تر تقسیم شود.

## مرکل:

### از عهده پناهجویان می‌برایم



### هند، پاکستان را به نقض آتش بس متهم کرد

بازرسی های مرزی خنجره و توپ شلیک کرده است. منطقه جامو و کشمیر از زمان استقلال هند و پاکستان از انگلیس در سال ۱۹۵۷ تاکنون میان دو کشور مورد مناقشه بوده است.



سخنگوی وزارت دفاع هند گفت، سربازان پاکستانی اقدام به نقض آتش‌بس کرده و بدون تحریک قبلی به سوی منطقه کریشنا گاتی در بخش پونچ آتش گشوده‌اند.

به گزارش خبرگزاری اسپوتنیک، رسانه های محلی هند روزشنبه به نقل از سخنگوی وزارت دفاع این کشور گزارش دادند، دهلی نو، اسلام آباد را متهم به شکستن آتش بس در منطقه مرزی جامو و کشمیر کرده است.

شبکه تلویزیونی ان.دی.تی.وی هند به نقل از سخنگوی وزارت دفاع این کشور گزارش داد، سربازان پاکستانی آتش بس را نقض کرده و در حدود ساعت ۷:۴۵ صبح دیروز به وقت محلی علیه منطقه کریشنا گاتی در بخش پونچ بدون تحریک قبلی شلیک کردند.

بر اساس گزارش این رسانه هندی، پاکستان جمعه شب نیز آتش بس با هند را نقض کرده و به سوی ایست

### نخست وزیر فنلاند منزلش را به پناهجویان هدیه کرد

۲۰۱۶ از منزل او استفاده کنند. نخست‌وزیر فنلاند دیروز در مصاحبه با یک شبکه داخلی این کشور اعلام کرد خانواده وی منزلی در مرکز فنلاند دارند که از زمان مهاجرت به هلسنکی مورد استفاده قرار نگرفته است و از این رو مهاجران می‌توانند در آن ساکن شوند.

هنوز نحوه درخواست برای سکونت در این منزل مشخص نشده است. ماه گذشته وزارت کشور فنلاند اعلام کرد که آماده دریافت ۱۵ هزار درخواست پناهندگی است که این میزان در مقایسه با برآوردهای قبلی ۱۰ هزار مورد بیشتر بود.

دیروز بیش از ۴ هزار پناهجو از طریق مجارستان وارد اتریش شدند. از سوی دیگر اداره پولیس آلمان اعلام کرده است که در روز جاری انتظار ورود ۱۰ هزار پناهجو به این کشور را دارد.



نخست‌وزیر فنلاند در پی هجوم پناهجویان به قاره اروپا در اقدامی جالب منزل اضافه خود را به آنها هدیه کرد. به گزارش نیوز، یوها سیبیلا، نخست‌وزیر فنلاند اعلام کرد که آماده در اختیار قرار دادن منزل خود به پناهجویان است و آنها می‌توانند از تاریخ اول جنوری